

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین
علیهما السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.
لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام
گردیده است.

ارمغان اصفهان

در شرح حال علامه آیت الله بهبهانی

نویسنده: سید مصلح الدین مهدوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ.
(بحار الانوار ج 90 ص 349)

در راستای احیاء و نکوداشت علماء علوم آل محمد صلوات الله تعالی علیهم اجمعین حضرت مستطاب ثقه الاعلام و معتمد المراجع العظام (دامت برکاتهم) جناب آقای حاج سید نورالدین مجتهدزاده متولّی مدارس علمیه آیت الله بهبهانی؛ همزمان با ایام سوگواری اسارت آل الله: و هفتم صفر، شهادت مهجه قلب المصطفى ﷺ و قره عین المرتضى ﷺ حضرت امام حسن مجتبی ﷺ اقدام به برگزاری بزرگداشت چهلمین سال ارتحال جدّ امجد خود فقیه اهل بیت عصمت و طهارت: و مدافع حریم مقدّس امامت و ولایت مرجع عالیقدر تشیع حضرت آیت الله العظمی حاج میر سید علی موسوی بهبهانی؛ نموده است.

لذا در این راستا به اینجانب پیشنهاد نمودند تا کتاب شرح حال ایشان را که توسط مورخ عالیقدر جناب آقای سید مصلح الدین مهدوی؛ که بمناسبت چهلمین روز رحلت آن فقیه صمدانی تنظیم کرده بودند، توسط انتشارات ناجی جزائری چاپ و در اختیار علاقه مندان قرار گیرد. انشاء الله تعالی. والحمد لله

رب العالمین

سید هاشم ناجی

بسم الله الرحمن الرحيم

بدینوسیله از جناب فاضل ارجمند حجه الاسلام و المسلمین سید هاشم ناجی جزائری مدیر محترم انتشارات ناجی جزائری که اقدام به چاپ و نشر «شرح حال زندگانی آیت الله العظمی بهبهانی» که توسط مورخ محترم مرحوم سید مصلح الدین مهدوی تنظیم گردیده بود.» نموده است، تقدیر و تشکر می گردد و دوام توفیقات ایشان را در نشر معارف اهل بیت : از خداوند متعال خواستارم.

در اینجا لازم است که از زحمات جناب حجه الاسلام آقای سید محمد رضا طباطبایی که از اسباط مرحوم آیت الله بهبهانی می باشند و در کار تصحیح، نگارش و اضافه ملحقات این کتاب تلاش وافری نموده اند، تشکر و سپاسگزاری بنمایم.

ضمناً یادآور می شود که کتاب مزبور با مختصر دخل و تصرف و با انجام تصحیحات لازمه در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

لازم به ذکر است در تنظیم کتاب فوق از کتابهای ذیل نیز استفاده شده است:

1 - گذری بر زندگانی استاد علامه محقق آیت الله العظمی بهبهانی، تألیف

آیت الله سید علی شفیعی

2 - شرح حال افكار و آثار آيت الله بهبهانی، تأليف مرحوم حجت الاسلام و

المسلمين حاج شيخ علي دواني

وَلِلّٰهِ دَرُّهُمْ و عَلٰى اللّٰهِ اَجْرُهُمْ

متولى مدارس علميه آيت الله بهبهانی رحمته الله

سيد نورالدين مجتهدزاده

20 محرم الحرام 1437

پیشگفتار

بعد الحمد والصلوه

به گواهی تمام کسانی که از نزدیک با حضرت آیت الله العظمی مرحوم حاج سید علی مجتهد موسوی بهبهانی آشنایی داشتند ایشان یکی از ستارگان قدر اول آسمان علم و دانش بودند که علاوه بر مقام شامخ فقاہت در سجایای اخلاقی و ملکات نفسانی و زهد و تقوی کم نظیر بلکه در زمان خود عدیم-النظیر بودند.

سالها مرجع تقلید و در مسند ارشاد و هدایت سالکین طریق حق جایگیر و مردم را علماً و عملاً هدایت می فرمودند. متأسفانه در 18 ماه ذی القعدة 1395 دعوت حق را لیبیک اجابت گفته و روح پرفتوحش به عالم قدس خرامید و برای همیشه ارادتمندان و مقلدین خود را در آتش فراق گذارد.

نگارنده برای تسلی خاطر خود و بنا به پیشنهاد عده ای از بزرگان برای آن که خاطره حیات ایشان همیشه در نظرها مجسم بوده و برنامه زندگانی آن عالم ربانی و فقیه صمدانی را سرمشق خود قرار دهند بر آن شد که شرح حال مختصری از ایشان بنویسد.

و چون مقرر گردید این زندگینامه جهت مراسم چهلمین روز درگذشت ایشان چاپ شده باشد لهذا فرصت تحقیق نبود و تا آنجا که ممکن گردید مطالب از منابع مختلف جمع آوری گردیده تقدیم دوستان و آشنایان و ارادتمندان آن فقید سعید میگردد.

امید است که اولاً مورد قبول بینندگان قرار گیرد و ثانیاً از نواقص آن اغماض
کنند و نویسنده را در این باب معذور دارند.

وبالله التوفیق وعلیه التکلان

سیّد مصلح الدین مهدوی

ذی الحجّه 1395

ولادت

حضرت حجه الاسلام و المسلمين سيد الفقهاء و المجتهدين استاد العلماء و المحققين العلامة الكبرى و آيت الله العظمى مرحوم آقاي حاج مير سيد علي مجتهد موسوی بهبهانی اعلى الله مقامه الشريف.

در اواخر سال 1303 و يا اوایل سال 1304 قمری در بهبهان⁽¹⁾ متولد گردیده و در خانواده علم و روحانیت دوره کودکی را گذرانید. و پس از طی مراحل صباوت به دستور پدر به تحصیل علوم مشغول گردید و در نزد فضلاء آن ناحیه به تحصیل علوم از صرف و نحو و معانی بیان و اصول و فقه و تفسیر و حدیث اشتغال جست.

پدر و خانواده:

پدر آن بزرگوار مرحوم آقا سید محمد بن سید علی از علماء آن شهرستان بوده و نسب آنان به طوری که دانشمند محترم آقای حاج سید محمدعلی سعادت موسوی بهبهانی که از علماء معاصر بهبهان و از احفاد سید عبدالله بلادی و از جمله شاگردان مرحوم آیت الله بهبهانی میباشند از قول ایشان نقل نمودند با اجداد عالم جلیل آقا سید عبدالله ابن سید علی بن محمد بن عبدالله بن علی بن سید علوی بن ابومحمد حسین غریفی ابن حسن بن احمد بن عبدالله بن عیسی ابن حمیس بن احمد بن ناصرالدین فقیه بن علی

1 - . بهبهان در 349 کیلومتری جنوب خاوری اهواز واقع شده ارتفاعش از سطح دریا چهل و دو متر و حد اکثر درجه حرارت در آنجا پنجاه و حداقل صفر میباشد (به سانتی گراد) جمعیتش در حدود 24 هزار نفر و زبان مردمش فارسی به لهجه لری میباشد. آبش از رودخانه مارونو از شهرهای قدیمی است قبل از تسلط اعراب و مسلمین یکی از پنج قسمت ناحیه شیراز به نام کوره قباد معروف بوده و حکومت نشین آن دره گاه یا دره جان در دوازده کیلومتری بهبهان بوده است سپس مردم آنجا از درجان یا درغون (ارجان) به محل فعلی بهبهان نقل مکان کرده اند (صفحه 47 جلد یکم دانشمندان و سخن سرایانفارس به اختصار و تصرف) انحراف قبله بهبهان 47 درجه و 38 دقیقه و 26 ثانیه جنوب غربی است (معرفه القبله) در فرهنگ نوبهار (1/152) درباره بهبهان گوید: شهری است از بلاد فارس به جانب عربستان که سکنه آن طوایف الوار و بیشتر آن کوهستانک است و همین کوهستانک را کوه گیلویه گویند و قلعه گل

و گلاب هم دو قلعه خدا آفرین تستدر آنجا از سنگ و تنگ و تکاو و هم که معدن مومیائی خوبست از مضافات بهبهان است. در بستان السیاحه (ص 168 چاپ اصفهان) گوید: بهبهان دارالاماره کوه گیلویه است از اقلیم سیم هوایش گرم و آبش از رود، خاکش حاصلخیز و آن شهر در زمین هموار اتفاق افتاده. قریب دو سه هزار خانه در اوست. سکنه آن دیار دوفرقت اند لر و عرب. در مهمان نوازی مشهورند همگی مذهب امامیه دارند. سادات عالی درجات آن دیار معروف و در سفره و سخاوت و مروت در تمامت فارس موصوفند. جماعتی از علماء اعلام و فقهاء اسلام بدین شهرستان منسوبند که اعلم و اشهر آنها مرحوم آقا محمد باقر بن مولی محمد اکمل اصفهانی معروف به بهبهانی و مؤسس بهبهانی و وحید بهبهانی می باشد. توضیحاً آنکه شهرستان بهبهان در قدیم جزء استان فارس بوده و در تقسیمات اخیر جزء استان خوزستان قرار گرفته است. این آمار مربوط به سال 1354 می باشد.

بن سلمان (سلیمان) بن ابوسلیمان ابن جعفر بن موسی بن صالح بن محمد بن علی طاهر بن ابوالحسن علی بن حسن بن محمد العابد بن الامام الهمام موسی الکاظم علیه السلام (نقل از صفحه 27 جامع الانساب) معروف به بلادی متولد 1233 و متوفی به سال 1282 قمری می پیوندند. خاندان سید عبدالله بلادی از پدران مشارالیه و اعمام و بنی اعمام و اعقاب عموماً اهل فضل و دانش و از علماء و مصنفین میباشند. شرح حال عده ای از آنها در کتاب طبقات اعلام الشیعه تألیف علامه بزرگوار مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی مذکور است و در جامع الانساب نیز به نام پاره ای از آنها اشاره شده است.

تحصیلات در بهبهان:

مرحوم آیت الله بهبهانی زبان فارسی و مقدمات علوم و ادبیات عرب و سطح (دوره متوسط علوم قدیم) را تا سن هیجده سالگی در بهبهان در خدمت اساتید آن سامان که از آن جمله است: مرحوم حجه الاسلام میرزا محمد حسن⁽¹⁾ و مرحوم حجه الاسلام آقا شیخ عبدالرسول⁽²⁾ و مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمد ناظم الشریعه بهبهانی⁽³⁾ مشغول بوده و در اواخر سال 1322 قمری جهت ادامه تحصیلات عازم عتبات عالیات گردیدند و به طوری که نقل میکنند مرحوم آیت الله بهبهانی هنگام ورود به نجف اشرف متجزی⁽⁴⁾ بودند.

تحصیلات در نجف اشرف:

مرحوم آیت الله بهبهانی همچنان که قبلاً گفته شد در اواخر سال 1322 جهت تکمیل تحصیلات خود

1 - . شیخ میرزا محمد حسن بن مولی حسین بهبهانی عالم و روح. فقه و اصول را نزد پدرش و میر محمد صالح بنمیر علی نقی بهبهانی خوانده و پس از فوت پدر قائم مقام مشاغل پدر از اقامه جماعت و تدریس گردیده بعد از سال 1320 وفاتیافته است (ص 1/394 نقباء البشر).

2 - . شیخ عبدالرسول بهبهانی از علماء و مدرسین سطوح در بهبهان بوده و شرح حالش در کتب موجود در نزد نویسندگان ذکر نشده است.

3 - حاج سید محمد ناظم الشریعه بهبهانی عالم فاضل زاهد معمر نسب او به جناب ابراهیم المرتضی بن الامام الهمام موسی الکاظم علیه السلام میبوندند. مشارالیه از معارف شاگردان آقا شیخ هادی طهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه الاصول و مرحوم آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی مؤلف عروه الوثقی بوده پس از تکمیل تحصیلات در نجف به بهبهان مسقط الرأس خود مراجعت نموده و به تدریس و اقامه جماعت و رسیدگی به امور مذهبی مردم پرداخته و مورد توجه و عنایت عموم مردم واقع شده سرانجام در شب 12 محرم الحرام سال 1370 به سن قریب به یکصد سالگی وفات یافته در بهبهان مدفون سپس به نجف اشرف منتقل گردید (صفحه 2/242 گنجینه دانشمندان)

4 - . تجزی در اجتهاد از مسائل اصول است که مورد نظر و عنایت علماء بوده و در آن باب کتب و رسائلی نوشته اند. متجزی کسی است که در تمام

مسائل فقهی به درجه اجتهاد نرسیده است لکن در برخی از مسائل اجتهاد نموده و یا قدرت آن را دارد. عموم فقهاء را عقیده بر آن است که شخص متجزی میتواند در مسائل اجتهادی به رأی خودش عمل کند ورأی متجزی حجت است. عازم نجف میشوند و به درس آخوند خراسانی⁽¹⁾ و مرحوم آقا سید محمدکاظم طباطبائی یزدی⁽²⁾ حاضر شده ولیکن قسمت عمده تحصیلات ایشان در محضر عالم جلیل مرحوم آقا سید محسن⁽³⁾ کوه کمری تبریزی از اجله شاگردان آقا شیخ هادی طهرانی بوده است.

دوره تحصیل مرحوم آیت الله بهبهانی در نجف اشرف جمعاً شش سال بوده و پس از نیل به مقام شامخ اجتهاد و کسب اجازه روایت و اجتهاد از اساتید خود و مراجع طراز اول عصر به بهبهان مولد و موطن خود مراجعت فرموده و به تدریس و اقامه جماعت و سایر وظائف روحانیت پرداخته در این زمان بیشتر از علماء و فقهاء شهر بهبهان به محضر ایشان حاضر گردیده و از مشکوه علم و دانش ایشان کسب نور علم و معرفت مینموده اند و در این سفر در شهر بهبهان متأهل میشوند.

سفر مجدد به عتبات:

در سال 1329 (یعنی پس از یک سال توقف در بهبهان) مجدداً به عتبات مراجعت فرموده لکن به واسطه مساعد نبودن آب و هوا و کسالت ایشان مجبوراً پس از یک سال توقف در سال 1330 به ایران مراجعت مینمایند. در مدت یک سال توقف در نجف حوزه درس و مباحثه شروع نموده و جمعی از فضلاء طلاب و مشتغلین به درس ایشان حاضر میشده اند.

ورود مجدد به بهبهان:

در سال 1330 مرحوم آیت الله بهبهانی از نجف به ایران مراجعت نموده و مجدداً در شهر بهبهان سکونت اختیار مینمایند و مدت هفت سال در آنجا به درس و بحث و مباحثه و تدریس علوم مختلفه مشغول می-شوند.

1 - . مولی محمد کاظم بن مولی محمد حسین طوسی خراسانی از اجله علماء و فقهاء و مجتهدین و مراجع تقلید و مدرسین حوزه علمیه نجف و از بنیان گزاران مشروطه ایران است. در 1255 متولد و روز سه شنبه 20 ذیحجه الحرام سال 1329 در نجف اشرف وفات یافت. مشارالیه صاحب کتاب بسیار معروف کفایه الاصول است که از امهات کتب درسی و از حین تألیف تا کنون مرجع عموم فقهاء و مجتهدین میباشد.

2 - . علامه محقق مرحوم آقا سید محمدکاظم بن عبدالعظیم حسنی طباطبائی یزدی از اجله فقهاء و مجتهدین در حدود سال 1247 در کستو، از قرای یزد متولد گردیده در یزد و اصفهان و نجف تحصیل نموده و از مدرسین بزرگ و رؤساء و مراجع تقلید گردید. سرانجام در شب سه شنبه 28 رجب سال 1337 در نجف اشرف وفات یافته در یکی از حجرات صحن شریف مدفون گردید. معروف ترین تألیفات ایشان کتاب عروه الوثقی است که از کتب معروف فقهی است و عموم مجتهدین بر آن حاشیه نوشته اند و جمعی دیگر از فقهاء درباره این کتاب، کتب متعدد نوشته اند که از آن جمله است: مستمسک العروه مرحوم آیت الله حاج سید محسن حکیم طباطبائی.

3 - . آقا سید محسن حسینی کوه کمری از مجتهدین بزرگ و افاضل مدرسین نجف و اجله شاگردان آقا شیخ هادی طهرانی بوده و پس از فوت استاد حوزه درس در نجف منعقد نموده و بیشتر شاگردان علامه طهرانی به درس او حاضر شدند قبل از سال 1338 وفات یافته است.

سفر سوم به نجف اشرف:

در سال 1338 بر حسب تقاضای عده زیادی از شاگردان مرحوم آیت الله آقا سید محسن کوه کمری استاد ایشان برای سومین بار عازم نجف اشرف و توطن در آن ارض مقدس میشوند، پس از تهیه منزل در نجف به وسیله مرحوم حاج باقر بهبهانی از تجار محترم خوزستان مقیم بوشهر و تعهد مشارالیه مخارج حوزه درس ایشان را، به عزم حرکت دادن خانواده خود از ایران به نجف اشرف به ایران و بهبهان مراجعت میفرمایند.

در موقع حرکت از بهبهان به نجف خانواده ایشان در شهر رامهرمز بیمار میشود و مجبوراً حرکت ایشان به تأخیر می افتد. چون فصل زمستان بوده و ضمناً اوضاع شهر نجف هم انقلابی و اعتصاب بوده است و یکی از علماء رامهرمز به نام مرحوم حجه الاسلام آقا سید عبدالله طباطبائی از ایشان دعوت میکند که جهت تغییر آب و هوا و پرستاری بیمار به قریه بیلاقی (مال آقا) در دو فرسخی شهر رامهرمز تشریف ببرند، دعوت او را قبول و به مال آقا میروند.

اصرار مردم رامهرمز:

در این موقع مردم شهر رامهرمز⁽¹⁾ از ایشان دعوت میکنند در شهر آنان توقف کنند. قرار بر استخاره می شود و استخاره با رفتن به عتبات موافقت نکرده تصمیم به اقامت در شهر رامهرمز میگیرند.

1 - . در معجم البلدان (صفحه 17 جلد 9 چاپ بیروت) می نویسد: رامهرمز، و معنی رام بالفارسیه المراد والمقصود وهرمز احد الاکاسره فکأن هذه اللفظه مرکبه معناها مقصود هرمز او مرادهرمز. وقال حمزه رامهرمز اسم مختصر من رامهرمز اردشیروهی مدینه مشهوره به نواحی خوزستان والعامه یسمونها رامز... ورامهرمز من بین مدن خوزستان تجمع النخل والجوزوالاترنج ولیس ذلک یجتمع بغيرها من مدن خوزستان.

توقف در رامهرمز:

(1) پس از این جریان مرحوم آیت الله بهبهانی از سال 1339 تا 1362 یعنی مدت 23 سال در شهر رامهرمز توقف میفرمایند و بدین مناسبت به رامهرمزی شهرت مییابند.

چهارمین سفر آیت الله بهبهانی به عتبات عالیات کربلا:

در سال 1362 قمری مرحوم آیت الله بهبهانی برای چهارمین دفعه به عتبات مسافرت مینمایند در این موقع مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج آقا حسین قمی که پس از قضایای خراسان به کربلا مهاجرت نموده بودند و در آنجا متوطن گشته از ایشان تقاضا میکنند که در کربلا ساکن شوند.

«مرحوم آیت الله بهبهانی بر حسب تقاضای ایشان در کربلا ساکن گردیده و به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال می ورزند و مدت دو سال ادامه می یابد در این موقع کتاب مصباح الهدایه را تألیف می نمایند.

به نقل از آقای علی دوانی که از نجف برای زیارت سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به کربلا آمده بودم، در حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، آیت الله بهبهانی دیدم که مقابل ضریح مطهر ایستاده است و با وقار و خضوع خاصی که مخصوص به خود آن جناب بود مشغول زیارت است، با تماشای آیت الله بهبهانی و خضوعی که در حال زیارت قمر بنی هاشم علیه السلام داشت، حالی پیدا کرده بودم که قابل وصف نیست.»⁽²⁾ (مصحح)

مهاجرت به نجف:

چون شهرت و عنوان علمی مرحوم آیت الله بهبهانی به گوش علماء و فضلاء

طلاب نجف می رسد

1 - . رام در لغت به معنای: آرام و قرار و شاد و خرم و خوش و طربو شادی و شهر و بنا و راستین آمده است و نام روز 21 ماه-های فرسو نام فرشته-ای موکل بر آن روز و لقب پادشاهان هند است که به اعتقاد هندوانیکی از اسامی خداوند تعالی است و مخفف بهرام هم هست و همبه معنی معروف. رام اردشیر رام گرد رام هرمز نام شهریاست از بلاد اهواز در حوالی شوشتر (فرهنگ نوبهار) حاجی شیروانی در بستان-السیاحه (ص 296) گوید: رام هرمز بلوکی است از بلوکات بهبهان و ناحیه-ای است بهجت-نشان مابین شوشتر و بهبهان واقع و جوانباربعه-اش واسع است و جبال و شمال و مشرق آن قریه-ایست و رود بزرگ بهآن قرب می-گذرد و برنج بسیار کشته می-شود و قرب سی پاره قریه معموره در اوست و هوایش گرم آبش نیکو مردمش همگی عربو شیعی مذهب و مهمان-دوست و غریب-نواز و در آن شیوهممتاز، اشخاص صاحب کمال از آن محال برخاسته-اند من-جمله حسن بن فضل بن سهلانوزیر سلطان-الدوله دیلمی بوده انتهى. طول جغرافیائی شهر رامهرمز 49 درجه و 36 دقیقه و عرض جغرافیائی آن 31 درجه 16 دقیقه و 30 ثانیه و انحراف قبله آن 43 درجه و 52 دقیقه و 50 ثانیه جنوبغربی است. (معرفهالقبله)

2 - . شرح حال آثار و افکار آیت الله بهبهانی، ص 107.

جمعی از دانشمندان آنجا از ایشان تقاضا میکنند که به نجف مهاجرت نموده
و در آنجا به افاضه و افاده مشغول گردند، مسئول ایشان مورد اجابت قرار
گرفته و به نجف مشرف میشوند و تا سال 1365 در نجف مشغول تدریس
می-شوند، مدت توقف و تدریس ایشان در نجف شش ماه به طول می انجامد.

مراجعت به ایران:

در طول این مدت مکرر مردم رامهرمز به وسیله تلگراف و نامه از ایشان تقاضای مراجعت به رامهرمز را نموده و جداً از ایشان خواستار میشوند که به ایران برگشته در شهر آنان به افاده و افاضه مشغول گردند و چون مرحوم آیت الله بهبهانی موافقت نمیکردند مردم خوزستان به حضرات آیات الله العظام مرحوم آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت الله حاج آقا حسین قمی و دیگر مراجع متوسل گردیده و آنان را واسطه تقاضای خود میکنند تا مرحوم آیت الله بهبهانی را به مراجعت به خوزستان راضی نمایند و بالاخره در سال 1365 به ایران مراجعت فرموده و در شهر رامهرمز به تأسیس مدرسه دینی اقدام نموده و جمعی از فضلاء و مشتغلین را در مدرسه جمع آوری نموده و بدین ترتیب حوزه علمیه در آن شهر تشکیل می دهند و تا سال 1370 در آن شهر توقف میفرمایند. بنابراین مجموع سنواتی که مرحوم آیت الله بهبهانی در رامهرمز سکونت داشته اند حدود سی سال میگردد.

در خلال این سنوات چندین سفر به مشهد مقدس سفر نموده و مورد استقبال و احترام علماء و دانشمندان قرار می-گیرند.

مرحوم آیت الله بهبهانی در این مدت سی سال به مناسبت دور بودن از مراکز علمی و شهرهای بزرگ آن چنانکه باید و شاید شهرت نیافتند و همچنان مجهول-التدر و خامل-الذکر باقیمانند.

مسافرت به طهران:

در اواخر ماه رمضان المبارک سال 1370 در اثر عارضه کسالت به طهران مسافرت نموده و مدت دو ماه در پایتخت تحت معالجه و درمان قرار میگیرند و هر روز عده ای از علماء و دانشمندان که صیت فضل و دانش ایشان را شنیده بودند در بیمارستان از آن مرحوم عیادت میکنند و بدین ترتیب عده ای بیشتر از اهل علم و محترمین به مقامات علمی ایشان واقف میگردند.

پس از بهبودی مزاج طبق تجویز پزشکان در شهر اهواز توطن اختیار میکنند.

سکونت در اهواز:

همچنان که ذکر شد از اواخر سال 1370 مرحوم آیت الله بهبهانی طبق تجویز پزشکان و استدعای علماء و فقهاء در شهر اهواز مرکز استان خوزستان توقف و سکونت می نمایند، گرچه از زمانی که در رامهرمز ساکن بودند جمع کثیری از مردم آن نواحی از ایشان تقلید میکردند لکن از این موقع مرجعیت ایشان کاملتر شده و اکثر شهرهای خوزستان از بهبهان و رامهرمز و اهواز و آقاجاری و مسجد سلیمان و آبادان و خرمشهر و بندر معشور و خلف آباد و رامشیر و دزفول و غیره عموماً مقلد ایشان می شوند، و به خصوص پس از فوت مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محسن حکیم طباطبائی و مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی تمام مردم جنوب از ایشان تقلید میکردند و همچنین بسیاری از مردم اصفهان و شهرهای دیگر نیز از ایشان تقلید مینمودند.

مسافرت به خرم آباد و بروجرد:

«آیت الله بهبهانی قبل از آغاز انقلاب اسلامی در سال 1341 و چند سال بعد از آن تابستانها به خرم آباد می رفت و مورد توجه علمای آن شهر مخصوصاً آیت الله حاج آقا روح الله کمالوند بود. در این سفرها هنگام ورود به شهر مورد استقبال آقایان علما کلاً و مردم قرار میگرفت. نماز جماعت را در خانه های میزبانان برگزار میکرد و مدتی هم نماز را در مدرسه علمیه با حضور طلاب و مردم مختلف اقامه مینمود. آیت الله حاج آقا روح الله کمالوند، و آیت الله قاضی خرم آبادی و آیت الله حاج سید عیسی جزائری، و سایر علما و فضلاء شهر در بزرگداشت آیت الله بهبهانی، و استفاده از محضر پرفیض آن مرحوم سعی بلیغ میدول می داشتند.»⁽¹⁾ (مصحح)

مسافرت به اصفهان:

در تابستان 1345 خورشیدی مرحوم آیت الله بهبهانی جهت تغییر آب و هوا به اصفهان تشریف فرما شدند.

از اوایل ورود ایشان به اصفهان در مدرسه صدر در بازار به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال جسته و ظهرها در مسجد شیخ لطف الله اقامه جماعت مینمودند و از همان روزهای اول فضلاء و دانشمندان اصفهان که قبلاً نام ایشان و مقامات علمیشان را شنیده بودند پروانه وار دور شمع وجودشان گرد آمده و از محضر درس ایشان مستفیض شدند و مقدسین و متدینین به جماعتشان حاضر گردیده و هرچه بر مدت اقامت حضرت آیت الله بهبهانی در این شهر افزود مردم از کلیه طبقات بیشتر ارادتمند ایشان شدند به طوری که وقتی عازم مراجعت به اهواز شدند به ایشان پیشنهاد شد که برای همیشه در اصفهان اقامت فرمایند.

1 - کتاب شرح حال آثار وافکار آیت الله بهبهانی، علی دوانی.

ولی چون اقداماتی که در خوزستان شروع گردیده بود احتیاج به حضور ایشان در این شهر را داشت و ممکن بود که اگر حضرت معظم له برای همیشه ترک اقامت در آنجا را میفرمودند کارها تعطیل گردد علیهذا قرار بر این شد که مدت شش ماه از سال از اول خرداد تا اوایل آبان در اصفهان تشریف داشته باشند و بقیه سال را در اهواز سکونت نمایند و به همین ترتیب مدت ده سال عمل شد.

حوزه علمیه بهبهان:

مرحوم آیت الله بهبهانی در سالهایی که در بهبهان تشریف داشتند حوزه علمیه ای تأسیس نموده و عده ای از فضلاء در آن شهرستان در خدمتشان تلمذ می-نمودند.

فاضل متتبع ارجمند آقای حاج شیخ محمد شریف رازی در کتاب گنجینه دانشمندان (صفحه 3/250) برای شهر بهبهان چهار مدرسه دینی نام می-برد بدینقرار:

1 - مدرسه شاه فضل 2 مدرسه شاهزاده ابراهیم 3 مدرسه مرتضوی 4 مدرسه شاه میرعالی حسین. مشارالیه همچنین اسامی 47 مسجد از مساجد بهبهان را نام می-برد.⁽¹⁾

آقای حاج سید فرج-الله مصطفوی داماد حضرت آیت الله بهبهانی از شاگردان مبرز این دوره می-باشند.

حوزه علمیه رامهرمز:

پس از آنکه حضرت آیت الله بهبهانی در رامهرمز سکونت نمودند در آنجا مدرسه دینی و حوزه علمیه تشکیل داده و جمعی کثیر از فضلاء و دانشمندان خوزستان در خدمتشان تلمذ نمودند.

فاضل گرامی معاصر در گنجینه دانشمندان (صفحه 5/176) به نام سی مسجد از مساجد این شهر⁽²⁾ اشاره نموده و هم در این کتاب در شرح حال حضرت آیت الله می نویسد:

معظم له در مدتی که در این شهر بنا به اصرار و تقاضای مردم اقامت داشتند خدمات بزرگی انجام داده و حوزه علمیه در آنجا داشته و جمعی از فضلاء و دانشمندان خوزستان از محضرش استفاده می-نمودند.

حوزه علمیه اهواز:

حضرت آیت الله بهبهانی همچنان که قبلاً متذکر شدیم از سال 1370 تا حین وفات یعنی سال 1395

-
- 1 - . لازم به ذکر است که این آمار مربوط به حدود چهل سال پیش می-باشد و مسلماً این آمار اکنون بیشتر شده است.
 - 2 - . همان.

مدت 25 سال در اهواز ساکن بودند که این مدت به طوری که بعداً متذکر خواهیم شد خدمات زیادی به این شهرستان نمودند از قبیل ساختن مسجد و مدرسه و غیره. در خلال این مدت مدرسه علمیه و حوزه تدریس خارج فقه و اصول تشکیل داده و عده ای از دانشمندان خوزستان را تربیت و تعلیم فرمودند که فعلاً هر کدام در یکی از نقاط خوزستان و غیره به قدر وسع و قدرت خود در ترویج مبانی دین و شعائر مذهب از اقامه جماعت و موعظه و تدریس اشتغال دارند.

شهرستان اهواز از شهرهای قدیمی ایران و در طول تاریخ جماعت کثیری از دانشمندان را در مهد خود پرورده که در کتب رجال و تاریخ به نام آنها اشاره شده است.

در وجه تسمیه این شهر گفته اند که اعراب پس از فتح خوزستان نام هرمرز اردشیر را که شهری در این ناحیه بود «سوق الاهواز» نهادند و اهواز جمع هوز معرب خوز است و یکی از فضلاء معاصر در مجله هنر و مردم طی مقاله ای اظهار نظر میکند که کلمه (آز) پسوند مکان است و اسامی شیراز و اهواز و نماز کلماتی مرکب از شیر و آهو و نم میباشد.

مزار معروف شهر اهواز بقعه جناب علی بن مهزیار اهوازی از مشرفین به حضور باهرالنور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه میباشد.

واعظ دانشمند معاصر آقای حاج شیخ اسماعیل کلباسی فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج میرزا رضا کلباسی اصفهانی متولد در 10 ذی الحجه 1322 رساله

کوچکی به نام (زیارتگاه اهواز) در شرح حال این بزرگوار تألیف نموده و به چاپ رسیده است.

ذیلاً جهت آنکه خوانندگان محترم بیشتر به اهمیت شهر اهواز پی برند به نام چند نفر از دانشمندان و علماء و محدثین قدیم این شهرستان اشاره می-شود.

1 - ابو اسحق ابراهیم بن مهزیار مؤلف کتاب البشارات.

2 - ابوالعیناء اهوازی

3 - احمد بن حسین بن سعید اهوازی از اصحاب حضرت رضا علیه السلام

4 - ابوالعباس حسن بن هانی اهوازی

5 - حسین بن سعید کوفی اهوازی از اصحاب حضرت رضا و حضرت جواد و حضرت هادی علیهم السلام

6 - سهل بن هرون دشت میثانی اهوازی

7 - عبدالله نجاشی حاکم اهواز که از طرف حضرت صادق علیه السلام دو نامه به عنوان او در کتب معروف است.

8 - ابوالحسن علی بن مهزیار اهوازی

9 - علی بن عباس مجوسی اهوازی مؤلف کتاب کامل الصناعه

10 - محمد بن جبرئیل اهوازی

شهر اهواز پس از فتنه مغول خراب شده و از آنجا بیشتر از دهکده ای باقی نمانده بود که در این اواخر آن را خزعلیه میگفتند و چون ناصرالدین شاه قاجار درصدد تجدید عمارت آنجا برآمد به نام ناصریه شهرت یافته و در زمان رضاشاه مجدداً به نام اهواز شهرت یافت.

حوزه علمیه اصفهان:

شهر باستانی اصفهان در تمام دوران پرافتخار تاریخی خود از مراکز مهم علم و دانش بوده و در هر عصر و زمانی صدها فقیه و محدث و حکیم و ادیب و فیلسوف و مورخ و واعظ و شاعر در آن می زیسته اند و ده ها مدرسه جهت تدریس و تحصیل داشته و بحمدالله تا کنون یکی از مراکز معتبر دینی و حوزه علمیه آن بعد از قم بزرگ-ترین و پرمایه-ترین حوزه-های علمی شیعه در ایران می-باشد.

در حال حاضر در اصفهان 26 مدرسه دینی وجود دارد⁽¹⁾ که به غیر از دو سه عدد از آنها بقیه طلبه-نشین و صبح و عصر حوزه های درس و بحث در آنجا منعقد میباشند و صدها طالب علم در خدمت بزرگان و مدرسین به استفاضه و استفاده مشغول می باشند.

مدرسه صدر بازار که از آثار خیریه حاج محمدحسین خان صدر اصفهانی است از زمان ساختمان تا کنون از مراکز مهم تدریس علوم دینی میباشند و در این اواخر مدرسین و فقهاء بزرگی در آن تدریس می-نمودند.

اسامی برخی از مدرسین مدرسه صدر در این اواخر (سال 1353 به بعد) که همگی وفات یافته اند به قرار زیر است:

1 - آقا سید ابوالقاسم بن سید محمدباقر حسینی دهکردی

2 - آقا سید محمدباقر ابطحی سدهی فرزند سید محمد علی

1 - البته این آمار مربوط به سال 1354 می باشد و بحمدالله اکنون بیشتر شده است.

3 - آخوند ملامحمد حسین بن مولی محمد جعفر فشارکی

4 - حاج سید صدرالدین بن حسن هاطلی کوهپایه ای حکیم و مفسر

5 - حاج میرزا رضا کلباسی فرزند میرزا عبدالرحیم

6 - آقا شیخ علی مدرس یزدی فرزند میرزا محمد

7 - حاج میر سید علی مجتهد نجف-آبادی فرزند سید محمد

8 - حاج میرزا علی آقا واعظ شیرازی ابن حاج میرزا علی اکبر

9 - آقا سید علی اصغر مدرس نجفی برزانی

10 - آقا شیخ محمد حکیم خراسانی

11 - حاج شیخ محمد مفید حکیم و فیلسوف

12 - آقا شیخ هبه‌الله هرنندی

مرحوم حاج سید صدرالدین صدر در مدت اقامت خود در اصفهان در
مدرسه صدر حوزه درس داشتند. و در حال حاضر⁽¹⁾ حجج اسلام و آیات الله
العظام آقایان:

1 - آقای حاج میرزا ابوالحسن آل رسول موسوی شمس آبادی

2 - آقای حاج شیخ احمد فیاض سدهی

3 - آقای حاج شیخ حسن صافی

4 - آقای حاج آقا حسین خادمی

5 - آقای سید محمدرضا خراسانی

6 - حاج سید عبدالحسین طیب میرمحمد صادقی

7 - آقای حاج سید محمدعلی موحد ابطحی

8 - حاج شیخ محمدجواد اصولی⁽²⁾.

9 - حاج آقا علاءالدین مدرس فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج میرزا سید حسن مدرس میرمحمد صادقی.

1 - . مراد سال 1354 می باشد.

2 - . لازم به ذکر است که مؤلفنام چند تن اخیر را در استدراک کتاب ذکر نموده بودند که در اینجا اضافه شد.

10 - حاج شیخ علی مشکوتی مؤسس مدرسه علمیه مشکوتیه در سده (همایون-شهر)

11 - حاج میرزا علی آقا میر محمد صادقی فرزند حجه الاسلام حاج سید محمدباقر

12 - حاج سید محمدعلی میرمحمد صادقی از علماء و مؤلفین و ائمه جماعت

13 - حاج آقا مجتبی میرمحمد صادقی فرزند حجه الاسلام حاج سید محمدباقر

14 - آیت الله آقا شیخ مجتبی حاتمی لنکرانی

15 - حاج آقا مرتضی مهدوی فرزند سید جلیل - القدر مرحوم بحرالعطاء

موسوی هرستانی

16 - حاج شیخ نورالدین قودجانی فرزند مرحوم حجهالاسلام حاج شیخ

محمد حسین اشنی

در این مدرسه تدریس می نمایند.

برخی دیگر از علماء و مجتهدین و فضلاء اصفهان نیز قدیماً و جدیداً در این

مدرسه تدریس می نموده و مینمایند.

و در بقیه مدارس اصفهان نیز علماء و دانشمندان به افاده و افاضه مشغول

میباشند.

شرح حال و گزارش احوال علماء و مدرسین اصفهان را نویسنده در کتاب

دانشمندان و بزرگان اصفهان نوشته و به چاپ رسیده است. همچنین تاریخچه

مدارس دینی اصفهان را از قدیم ترین ایام تا کنون در کتابی به نام: (اصفهان یا

دارالعلم شرق) مبسوطاً نوشته ام و در آن کتاب مدرسین و علماء ساکن هر

مدرسه را نیز به طور تفصیل نام برده ام که به چاپ نرسیده است.

فائده: ذیلاً جهت مزید اطلاع اسامی مدارس دینی اصفهان که در حال حاضر

موجود و عموماً طلبه نشین می-باشند نقل می-گردد:

1 - مدرسه اسماعیلیه در کوچه قصر منشی

2 - مدرسه الماسیه در چهار سو مقصود

3 - مدرسه امامیه که آن را مدرسه باباقاسم نیز گویند جنب مقبره باباقاسم

4 - مدرسه ترک ها در محله درکوشک

5 - مدرسه جده بزرگ در بازار

6 - مدرسه جده کوچک در بازار قهوه کاشی ها

7 - مدرسه جلالیه در خیابان احمدآباد

8 - مدرسه چهارباغ که آن را مدرسه سلطانی نیز گویند در خیابان چهارباغ

عباسی

9 - مدرسه حاج حسن در جنب مسجد علی

10 - مدرسه حاج شیخ محمدعلی نزدیک امامزاده احمد

11 - مدرسه درکوشک که آن را مدرسه پاشیر نیز گویند

12 - مدرسه ذوالفقار در بازار

13 - مدرسه شفیعیه در محله دردشت

14 - مدرسه شمس آباد در کنار خیابان شیخ بهائی

15 - مدرسه صدر بازار

16 - مدرسه صدر پاقلعه معروف به مدرسه سیدالعراقین

17 - مدرسه صدر خواجه در چهارباغ خواجه

18 - مدرسه عربان در جنب بازارچه حسن آباد

19 - مدرسه کاسه گران در بازار ریسمان

20 - مدرسه ملاعبدالله در بازار

21 - مدرسه میرزا حسین در بازار بیدآباد

22 - مدرسه میرزا مهدی در محله بیدآباد

23 - مدرسه ناصریه جنب مسجد شاه⁽¹⁾

24 - مدرسه نوریه در بازار عربان جنب مسجد جامع

25 - مدرسه نیم آورد در بازار

26 - مدرسه هرون ولایت در جنب امامزاده هرون ولایت

مدارس خارج شهر:

1 - مدرسه امامیه در شهرکرد

2 - مدرسه امامیه در همایون شهر (سده)

3 - مدرسه ریاضی (حاج شیخ ابراهیم ریاضی) در نجف آباد

4 - مدرسه علمیه مشکوتیه در همایون-شهر (سده)

1 - این مسجد در حال حاضر به مسجد امام تغییر نام پیدا کرده است.

آیت الله بهبهانی و حوزه علمیه اصفهان:

مرحوم آیت الله بهبهانی از بدو ورود به اصفهان در مدرسه صدر حوزه تدریس و افاضه منعقد فرموده و صبح ها از ساعت هفت تا ساعت نه دو جلسه درس داشتند و خارج فقه و اصول مباحثه و مذاکره می فرمودند و عده زیادی از فضلاء، طلاب و مشتغلین به محضر ایشان حاضر گردیده و از ایشان بهره مند می شدند.

روزهای چهارشنبه جلسه درس اصول دین و اعتقادات و اخلاق می فرمودند و علاوه بر دانشمندان و دانشجویان دینی عده ای از محترمین و فضلاء حتی بازاریان نیز در این جلسه شرکت مینمودند و از محضر ایشان مستفیض می-شدند.

شخصیت علمی:

مرحوم آیت الله بهبهانی بدون تردید یکی از مراجع بزرگ دینی و دانشمندان طراز اول شیعه و از مفاخر اسلام بودند و با وجودی که مدت سی سال از عمر شریفشان در نقطه دورافتاده رامهرمز گذشت که در آنجا از علم و تحصیل خبری نبود اگرچه خود ایشان در این نقطه حوزه علمیه-ای تشکیل داده و به درس و مباحثه اشتغال داشتند ولی در حقیقت باید گفت که در این مدت ایشان تارک بوده اند، با وجود این در اثر حد ذهن و فکر و نقاد و نبوغ و استعداد ذاتی تبحر و استادی خود را در تمام مباحث حفظ کرده بودند و هر مسئله ای در هر موضوع در خدمت ایشان عنوان می شد بدون درنگ جوابی کافی و شافی بدان داده به طوری که سؤال کننده که قبلاً خود را برای بحث و گفتگو آماده کرده بود از شنیدن جواب سؤال خود و بیان کلیه شقوق و جوانب کار در بهت و حیرت فرو میرفت.

دو نفر از فضلاء اصفهان که سال ها در حوزه-های علمی اصفهان و قم تحصیل نموده و خدمت جمعی کثیر از فضلاء و مجتهدین رسیده بودند نقل نمودند که در طول شصت سال عمر مسائل و موضوعاتی لاینحل برای ما درباره اصول اعتقادات و فروع مانده بود که نه خود از عهده آنها برمی آمدیم و نه کسانی که با آنها مذاکره می نمودیم می توانستند ما را قانع کنند، روزی به محضر مرحوم آیت الله بهبهانی حاضر شده و در ضمن بیان مسائل و پرسش از مطالب متنوعه موضوعات مورد گفتگو عنوان گردید ایشان با بیانی بسیار ساده و مستدل جواب پرسش ها را داده به طوری که هیچ نقطه ابهامی در آنها باقی نماند، در این وقت ما به احاطه علمی و قدرت حفظ و بیان مرحوم آیت الله

واقف شدیم و هرچه بیشتر به خدمتشان رسیدیم بهتر و کاملتر از دریای علوم ایشان کامیاب شدیم. این دو نفر و جمعی دیگر از علماء اصفهان و غیره معتقدند که مرحوم آیت الله بهبهانی از حیث جامعیت در علوم بر اغلب معاصرین مقدم بوده و بلکه در متقدمین نیز کم نظیر می باشند

آقای دوانی در مقدمه فروغ هدایت درباره ایشان می نویسد: هنگام بحث و گفتگو در مباحث فقه و اصول او را فقیهی توانا و موقع سؤال از موضوعات کلامی و فلسفی متکلم و حکیمی دانا و در رشته های صرف و نحو و معانی و بیان دارای یدی طولاً و در تحلیل مسائل معضله و تجزیه مطالب مشکله محقق مدقق و به طور خلاصه کمتر شخصیت علمی را بدین جامعیت دیده و می بینیم.

آقای شریف رازی در گنجینه دانشمندان درباره ایشان می-نویسد:

معظم له بی گمان یکی از مراجع بزرگ دینی عصر خود و از دانشمندان طراز اول شیعه به شمار می-روند ولی متأسفانه در اثر دوری از سواد اعظم و حوزه های علمیه چنان که باید معرفی نشده و همچنان مجهول القدر مانده اند به طوری که هنوز هم اکثر مسلمانان از وجود چنین عالم مبرز و متبحری که در جمیع علوم اسلامی دست دارد بی خبر می باشند.

نویسنده گوید: اگر مهاجرت مرحوم آیت الله بهبهانی به اصفهان و آشنا شدن علماء و دانشمندان این شهر از نزدیک با ایشان نبود تا این حد نیز مردم به مقام علم و دانش ایشان واقف نشده بودند بلکه در اثر مسافرت ده ساله ایشان به اصفهان و تدریس در حوزه علمیه اصفهان و مجمع فضلاء و دانشمندان تا اندازه

ای مردم پی به شخصیت بارز آن عالم جلیل برده و هر سال بر تعداد ارادتمندان و مقلدین ایشان می-افزود.

نماز جماعت:

در دو سال اول ورود مرحوم آیت الله بهبهانی به اصفهان ظهرها در مسجد شیخ لطف الله و شب ها و صبح ها در منزل اقامه جماعت می نمودند و عده ای از مقدسین و محترمین به نماز جماعتشان حاضر می شدند.

از سال 1348 خورشیدی حضرت علم الاعلام حجه الاسلام آقای حاج سید محمدرضا شفتی⁽¹⁾ از ایشان تقاضا کردند که شب ها در مسجد سید که از بناهای علامه جلیل حجه الاسلام مطلق شیعه حاج سید محمدباقر بن محمدنقی موسوی شفتی جد بزرگوار ایشان است اقامه جماعت نمایند و حضرت معظم له بنا

1 - . حاج سید محمدرضا شفتی فرزند جهالاسلام حاج سیدمحمدباقر بن حاج سید اسدالله بن حاج سید محمدباقر حجهالاسلام مطلق از علماء اخیار و فضلاء نامدار اصفهان می-باشند، در اصفهان و نجف اشرف در نزد بزرگان علم و مجتهدین تلمذ فرموده و اکنون سال-هاست که محراب و منبرمسجد سید به وجود ایشان دایر و مزین است. شرح حال پدر واجدادش را در کتاب بزرگان و دانشمندان اصفهان نوشته-ام. (البته این عالمجلیل القدر سال هاست که از دنیا رحلت نمودند و در حال حاضر بحمداللهفرزند ایشان در همان مکان اقامه جماعت می فرمایند.) (مصحح) به خواهش ایشان و اصرار جمعی کثیر از مؤمنین این دعوت را پذیرفته و تا سال 1353 در ایام توقف خود در اصفهان شب-ها در این مسجد نماز جماعت می-گزارند و به طور تحقیق می-توان گفت که نماز جماعت ایشان در تمام مملکت ایران از حیث کمیت و کیفیت بی-نظیر بود.

و از سال 1349 بر حسب خواهش مرحوم آیت الله حاج شیخ مهدی نجفی⁽¹⁾ ظهرها نیز در مسجد شاه اقامه جماعت نمودند و جمعی کثیر از عدول و موثقین و فضلاء به جماعت ایشان حاضر میشدند.

در ایام ماه مبارک رمضان نماز جماعت مسجد شاه از هر حیث بی نظیر بود و هر روز چندین هزار نفر در موقع ظهر به نماز حاضر می شدند به خصوص روزهای تعطیل و بالاخص ایام قدر و به طوری تخمین زده اند تعداد مأمومین نماز روز 21 ماه مبارک رمضان متجاوز از بیست هزار نفر می شد.

نماز عید:

از سال ها قبل مراسم نماز عید فطر در اصفهان با شکوه و عظمت خاصی به وسیله علماء و ائمه جماعت برقرار می شد و به خصوص به وسیله مرحوم حجه السلام آقای آقا شیخ محمدباقر زند کرمانی⁽²⁾ که از محله طوقچی با جمعی کثیر از مؤمنین با صفوف منظم پیاده حرکت نموده و در مسجد مصلاهی تخت فولاد اقامه می-نموده و پس از فوت ایشان این مراسم به وسیله حجهالاسلام آقای حاج شیخ عباس علی ادیب حبیب آبادی انجام میگردد.

در سال های اخیر که مرحوم آیت الله العظمی آقای بهبهانی در مسجد شاه اقامه جماعت می فرمودند روز عید فطر اول وقت مردم در منزل ایشان حضور یافته و در خدمت ایشان پیاده به سمت مسجد شاه حرکت می نمودند. کثرت

جمعیت و صدای تکبیرات آنان منظره ای روحانی بسیار جالب توجه داشته هر بیننده ای را به خود جلب می-نمود.

در سال 1395 (ه ق) که وضع مزاجی حضرت آیت الله اقتضای شرکت در جماعت را نداشت همین مراسم در خدمت آیت الله زاده محترم عمادالاسلام آقای مجتهدزاده انجام گرفت.

1- . مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی فرزند مرحوم حاج شیخ محمدعلی بن حاج شیخ محمدباقر بن شیخ محمدتقی بن محمد رحیم نجفی اصفهانی عالم زاهد فقیه ادیب شاعر کثیرالتألیف در 1298 متولد و در روز 6 ماه صفر 1393 در اصفهان وفات یافته و در مشهد مقدس مدفون گردید. شرح حال ایشان را نویسنده در کتابشعراى معاصر اصفهان نوشته-ام و به چاپ رسیده است.

2- . مرحوم آقا شیخ محمدباقر زند کرمانی در 1312 در کرمان متولد گردیده و پس از سال-ها تحصیلات جدید به قم مهاجرت نموده و در خدمت اساتید آنجا بالاخص مرحوم آیت الله العظمی آقاسید محمدحجت تلمذ فرموده تا به مقام عالی اجتهاد رسیده به اصفهان منتقل گردید و به مصاهرت مرحوم آقا شیخ محمدجعفر بن العلامه لایه آقا شیخ محمد حسین فشارکی نائل گردیده در جمادی-الثانی 1389 در آلمان (که برای معالجه رفته بود) وفات یافته در تخت فولاد اصفهان در تکیه-ای مخصوص مدفون گردید. وی را تألیفاتی است: 1 رساله و فقهاستدلالی 2 در طهارت الفیوضات اللامعه 3 تاریخ مختصر نفت وغیره.

توجه آیت الله بهبهانی به تبلیغات دینی:

مرحوم آیت الله بهبهانی به موضوع وعظ و تبلیغ زیاده از حد اهمیت می دادند و آن را بهترین سد جهت جلوگیری از پیشرفت و عقاید فاسد و ضد ولایت که از سالها قبل در اصفهان به خصوص شروع شده بود میدانستند، بدین جهت در تمام دوره شش ماهه که در این شهر ساکن بودند پس از اقامه جماعت نماز مغرب و عشاء در مسجد سید گویندگان مذهبی منبر رفته و مردم را ارشاد و هدایت مینمودند و گاهی وعاظ و خطباء را از شهرهای دیگر دعوت مینمودند.

چندین سال خطیب توانا جناب آقای حاج شیخ محمدتقی فلسفی و برخی از سال ها حاج شیخ احمد کافی خراسانی و فخر المحققین اصطهباناتی و دیگران به اصفهان تشریف آورده و مردم را مستفیض نمودند.

«مرحوم آیت الله بهبهانی در امر دفاع از عقاید حقه ی تشیع خاصه در امر احیاء شعائرالله از جمله عزاداری سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و برگزاری مجالس عزاداری اهل بیت : و شرکت در مجالس همّت والایی داشتند. لذا همیشه به شاگردان خود توصیه می فرمود زیاد در مجالس روضه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام شرکت نمایند و در حد توان ترک نکنند.⁽¹⁾

لذا در زمان حیاتشان وقتی که متوجه شدند عده ای راجع به گریه و اشک بر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام شبهه وارد کردند، به خطبا و وعاظ مشهور وقت امر نمودند تا به شهرها رفته و دو ماه راجع به عظمت اشک و گریه بر اباعبدالله

الحسین علیه السلام ایراد سخن نمایند.⁽²⁾ و وقتی که عده ای آمدند از ایشان خواستند که حدّ و مرزی در عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام قائل شوند ایشان در جواب فرمودند: بنده جرأت نمی کنم در دستگاه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام اظهار نظر نمایم.⁽³⁾ (مصحح)

از سال 1390 بنا به خواهش حقیر و اصرار جمعی کثیر از مؤمنین صبح-های ماه مبارک رمضان مرحوم آیت الله بهبهانی به مسجد رضوان که به مسجد کرمانی⁽⁴⁾ نیز شهرت دارد تشریف برده و مؤمنین را به فیض نماز جماعت خود مستفیض می نمودند.

1 - . به نقل از مرحوم آقای فقهی از شاگردان خاص آیت الله بهبهانی.

2 - . کتاب نقد عمر نوشته شیخ علی دوانی.

3 - . به نقل حجه الاسلام والمسلمین شیخ مصطفی بهرمن از فضلی حوزه علمیه اصفهان.

4 - . مسجد رضوان از آثار علامه فقیه مجتهد عالم زاهد مرحوم آخوند ملا محمد حسین بن ملا اسدالله کرمانی اصفهانی معروف به آخوند کرمانی می باشد مشارالیه در حدود سال 1255 در کرمان متولد گردیده و در کرمان و اصفهان در نزد بزرگان علم و دانش همچون حاج شیخ محمدباقر مسجدشاهی و آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی تحصیل نموده تا به درجه اجتهاد رسید. سال-ها در مسند قضاوت و حکومت شرعی اصفهان مستقر و در مدرسه جده تدریس می نمود و سرانجام در شب جمعه 21 جمادی الاولی سال 1330 وفات یافته در مقبره ای مخصوص جنب مسجد خود مدفون گردید.

جلسه استفتاء:

مرحوم آیت الله بهبهانی موافقی که اصفهان تشریف داشتند مرتباً تمام روزها از ساعت 10 صبح به مدت یک ساعت در اتاق بیرونی منزل خود جهت جواب سؤالات و استفتاآت حاضر شده و جمعی از علماء و فضلاء نیز در این جلسه شرکت می نمودند.

سؤالاتی که رسیده بود یا فرزند ارجمندشان آقای مجتهدزاده و یا عالم محترم آقای حاج میرسید محمد ابطحی فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمدعلی سدهی و یا دیگران میخواندند و مرحوم آیت الله بدان ها جواب میدادند و گاهی به مناسبت حاضرین در مجلس که عموماً از علماء اصفهان و یا علماء خوزستان که به عنوان مهمان در منزل حضرت آیت الله بودند مطالبی اظهار مینمودند و با اظهار نظر حضرت آیت الله بحث و گفتگو خاتمه مییافت.

تبلیغات:

به طوری که گفته شد مرحوم آیت الله بهبهانی به موضع هدایت و ارشاد مردم بسیار علاقه مند بودند بدین منظور در ایام ماه مبارک رمضان و دو ماهه محرم و صفر عده ای از فضلاء و طلاب و دانشمندان را به اطراف شهرها و قراء و قصبات و بین عشایر خوزستان و غیره می فرستادند که در سال های اخیر تعداد آنها بالغ بر یک صد و پنجاه نفر بود.

این افراد با حقوقی که از طرف حضرت آیت الله بهبهانی به آنها پرداخت می شد به سمت مأموریت خود رفته و با کمال دلگرمی و پشتکار به فعالیت مشغول می شدند و در تمام موارد موفقیت با آنها بود.

فرقه ضاله در برخی از دهات خوزستان که در مدت سال کمتر روحانیون و وعاظ و مبلغین بدانجا ها می رفتند رسوخ نموده و عده ای از افراد ساده لوح را فریب داده و منحرف ساخته بودند به مجردی که خبر به ایشان رسید بدون درنگ مبلغینی دانا و خردمند بدان قراء روانه کرده و یا حکمت و موعظه حسنه منحرفین را به راه راست برگردانده و دستگاه تبلیغاتی پوشالی فرقه گمراه را از هم متلاشی کرده که بحمدالله دیگر در آن حدود فعالیتی ندارند.

سرپرستی طلاب دینی:

مرحوم آیت الله بهبهانی زندگانی خصوصی طلاب را کاملاً مورد توجه داشته و هیچ گاه از آنان بی خبر نبودند. از سال ها قبل از آنکه به اصفهان تشریف بیاورند ماهیانه به طلاب خوزستان (بهبهان اهواز رامهرمز) مرتباً شهریه می پرداختند و دارالعلم را در اهواز با کلیه وسایل جهت آنان بنا کردند و از سالی که به اصفهان تشریف فرما شدند طلاب و دانشجویان این شهر نیز از دریافت شهریه ایشان بهره مند شدند. خوشبختانه تعداد محصلین دینی این شهر نسبتاً زیاد است همچنین طلاب همایون-شهر، نجف آباد و شهرکرد نیز از دریافت شهریه بی نصیب نبودند.

طلاب بهبهانی (طلاب خوزستان) ساکن قم نیز مورد توجه و عنایت ایشان بوده و به ایشان نیز شهریه پرداخت می-شد.

از سال 1391 که جمعی از طلاب به حکم اجبار از نجف اشرف به ایران مهاجرت نمودند و در قم ساکن شدند نیز از کمک مرحوم آیت الله بهبهانی بهره‌مند می-شدند.

مسافرت ها:

مرحوم آیت الله بهبهانی در طول عمر پرافتخار خود دو سفر به مکه معظمه مشرف شده و چندین سفر به عتبات عالیات سفر نموده و سفرهای متعددی به مشهد مقدس مشرف شدند.

آخرین سفر مرحوم آیت الله بهبهانی به مشهد مقدس در سال 1352 خورشیدی بود که در آن شهر مقدس مورد کمال تجلیل و احترام از طرف کلیه علماء و دانشمندان بالاخص مرحوم آیت الله العظمی آقای میلانی⁽¹⁾ قرار گرفتند.

در این سفر از طرف معظم-له به طلاب مشهد نیز مبلغی به عنوان شهریه پرداخت گردید.

در مراجعت در تهران و قم نیز علماء و مجتهدین از ایشان تجلیل نمودند و به خصوص در قم در منزل امام خمینی⁽²⁾ وارد شده و تمام علماء و مراجع از ایشان دیدن کردند.

1 - آیت الله العظمی حاج سید محمدهادی بنسید جعفر میلانی از اعظام علماء و مجتهدین و مراجعتقلید ساکن مشهد در 1313 ق متولد و در شب جمعه 29 رجب 1395 در مشهد مقدس وفات یافت. وی را تألیفاتی است در فقه و اصول همچنین تقریرات استادان خود: فاضل ایروانی و اردبیلی و حاشیه توضیح-المسائل (341 معجم رجال الفکر والادب و فیاتالاعوام) و رساله مناسک حج.

2 - به نقل از خطیبدانشمند حجه الاسلام والمسلمین شیخ عبد السید محمودیبهبهانی. (مصحح)

استقبال علماء و مردم اصفهان از حضرت آیت الله بهبهانی:

در سال هائی که قرار بود ایام تابستان مرحوم آیت الله بهبهانی به اصفهان تشریف فرما شوند از اواسط اردیبهشت ماه فضاء و طلاب همچنین مقدسین و مردم دیندار در موقع برخورد به آشنایان مشتاقانه ساعت و روز ورود ایشان را از همدیگر می پرسیدند.

معمولاً در اواخر اردیبهشت ایشان به اصفهان وارد می-شدند از ساعت ها قبل از رسیدن طیاره⁽¹⁾ حامل ایشان، هزاران نفر از مردم اصفهان زن و مرد در فرودگاه حاضر شده و همگان چشم به آسمان دوخته و گوش فرا می-دادند تا صدای طیاره را بشنوند و یا آنکه آن را ببینند. وجود علماء و مدرسین و طلاب بیشتر از همه در جمعیت جلب توجه میکرد به مجرد آنکه طیاره می-نشست و ایشان و همراهان دم در ظاهر می-شدند فریاد صلوات مردم که ساعت-ها بود در آنجا منتظر بودند بلند شده و اشک شوق در دیده-ها ظاهر می-گردید. حضرتش با کمال احترام درحالی که علماء و محترمین اطراف ایشان را گرفته بودند در ماشین مخصوص نشسته و سیل جمعیت پیاده و سواره و دوچرخه-سوار به سمت شهر و منزل ایشان در حرکت می آمدند صدها ماشین سواری در پشت سر ماشین ایشان و دوچرخه سواران در جلو و پیادگان در اطراف ماشین حرکت می کردند. منظره دیدنی بود و این کیفیتی است دیدنی نه شنیدنی و تعریف کردنی. کثرت جمعیت به حدی بود که گاهی فاصله فرودگاه تا منزل را در مدت دو ساعت طی می نمودند. و بدین حالت در منزل ایشان که در خیابان مشیر انصاری از خیابان های فرعی خیابان هاتف بود وارد می شدند.

در اینجا نیز جمعیت زیادی منتظر وصول ماشین حضرت آیت الله بودند.
مرحوم آیت الله بهبهانی پس از رسیدن به منزل و اندکی استراحت به بیرونی
تشریف آورده و از مردم که به ملاقات و دست بوسی ایشان آمده بودند دیدن
می فرمودند.

مدت سه روز و گاهی تا یک هفته مردم اصفهان از هر طبقه و دسته گروه
گروه به منزل ایشان وارد شده و افتخار دست بوسی حاصل نموده و خارج
می شدند.

تمام علماء و مدرسین و ائمه جماعت و وعاظ و طلاب اصفهان بدون استثناء
در این روزها شرفیاب شده و از محضر مبارک حضرت آیت الله کامیاب می
شدند.

بدرقه کردن مردم از حضرت آیت الله:

روز قبل از حرکت مرحوم آیت الله بهبهانی به اهواز ظهر در مسجد شاه و شب در مسجد سید حجه الاسلام پس از ادای فریضه مراسم تودیع به وسیله یکی از گویندگان و وعاظ اصفهان آقای کلباسی یا آقای معزی و یا غیر آنها به عمل می آمد.

فردای آن روز یعنی روز حرکت به همان کیفیت روز ورود جمعیت در منزل ایشان گرد آمده و ایشان را تا فرودگاه بدرقه می کردند و به خلاف روز ورود گریه فراق و اشک حسرت در دیدگان عموم ظاهر بود. در فرودگاه تمام علماء و مدرسین و طلاب حاضر بودند و معمولاً حضرت آیت الله آقای حاج میرزا ابوالحسن آل رسول شمس آبادی دعای سفر را خوانده و به امید مراجعت ایشان حضرتش را بدرود می گفتند. نویسندگان این سطور که خود در تمام سال ها در حین ورود و هنگام مراجعت حضرت آیت الله بهبهانی افتخار حضور در این مراسم را داشته ام نمی توانم با عبارت، بیان کننده احساس مردم باشم.

یعنی الفاظ قادر نیستند که مبین شوق و حسرت مردم در این دو وقت باشند.

آقای فضل الله اعتمادی متخلص به برنا از شعرای معاصر اصفهان در سال 1346 در موقع مراجعت مرحوم آیت الله بهبهانی به اهواز اشعار زیر را که در مدیحه و ستایش ایشان سروده بودند در فرودگاه در حضور چندین هزار نفر بدرقه کنندگان از معظم له قرائت کردند (نقل از مقدمه فروغ هدایت، ص 17).

طالبی باشی به عزت هم قران	رو پی کسب کمال و زهد و علم
باش از دل خادم دین مبین	رهنمای خلق شو در راه دین
همچنان سید علی میر زعیم	حجه الاسلام دانای فهیم
آنکه هر جا پا نهد پروانه وار	رأی او حجت برای مسلمین
نور علم از عارض او آشکار	من چه در توصیف او گویم که
	هست

ای مهین روحانی عالی مقام	نیست برنا اهل تلبیس و ریا
فارغی هم تو ز توصیف و ز مدح	سر بر آرد چون زمشرق آفتاب
لیک منظورم از این اشعار نغز	می شود از دوریت دل ها غمین
یک دو مضمون آورم از رودکی	اصفهان چون آسمان و تو مهی
اصفهان چون بوستان و تو گلی	می روی اکنون که سوی شهر
	خویش

باش در کفر حیات جاودان	خویش را از قید دنیا وا رهان
پیرو احکام قرآن شو زجان	یار مردم باش از پیر و جوان
بهبهانی فخر زهاد زمان	آیت الله خلیق مهربان
خلق گیرندش چو شمعی در میان	امر او برهان برای شیعیان
از جبینش پرتو ایمان عیان	قلزمی از فضل و دانش بیکران

اخلاق و صفات:

مرحوم آیت الله بهبهانی در جمیع فضایل اخلاقی و خصائص انسانی یگانه و بی همتا بودند و این مطلب قولی است که جملگی بر آنند. در صفا و معنویت و بی آلایشی و سادگی و خالی بودن از هر گونه هوای نفس و حفظ جناح و دوری از تعینات صوری در نزد عموم طبقات بالاخص علماء و روحانیون مشار با لبنان بودند و کمتر عالمی را من حیث المجموع دارای چنین صفات بارز سراغ داریم. گرچه عموم مجتهدین و مراجع تقلید کثر الله امثالهم و متع الله المسلمین بطول بقائهم در اخلاق و صفات و ملکات از عموم مردم ممتازند و به ندرت می توان در آنان نقطه ضعفی یا ترک اولائی یافت، اما مرحوم آیت الله بهبهانی رحمته روحه العزیز بلاشک در فضایل نفسانی از جمیع کسانی که در زمان ما بوده اند و درک فیض از محضرشان کرده ایم بهتر و والاتر بودند.

فضایل نفسانی:

همان طور که بیان گردید مرحوم آیت الله بهبهانی در مکارم اخلاق بی نظیر بودند.

در اینجا چند صفت از فضایل ایشان را که بیشتر جلب توجه می کرد برای نمونه یادآور می-شوم.

1 - تواضع و فروتنی:

از سخنان منسوب به پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمودند: تواضعوا و جالسوا المساکین تکنونوا من کبراء الله و تخرجوا من الکبر⁽¹⁾؛ یعنی: فروتنی کنید و با فقیران همنشینی نمایید تا در نزد خداوند بزرگ شوید و از تکبر برکنار مانید.

و هم از فرمایشات امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام است که فرمودند: تواضع لله یرفعک و تواضع المرء یرفعه⁽²⁾؛ یعنی: به خاطر خداوند فروتنی کن تا خداوند مقام تو را بالا ببرد و فروتنی مرد موجب بلندی مقام او می گردد.

مرحوم آیت الله بهبهانی عالمی متواضع بود نسبت به کوچک ترین افراد از هر طبقه بالاخص اهل علم نهایت احترام را رعایت می فرمود و در موقعی که کسی بر او وارد می-شود و یا می خواست از خدمتش مرخص شود با وجود ضعف کلی که به خصوص در این سال آخر برایشان مستولی شده بود در برابر او بلند

می شد و نسبت به او تواضع می نمودند گرچه احدی چنین انتظاری از ایشان نداشت.

این صفت ایشان موجب آن گردیده بود که همه ارادتمندان و دوستان ایشان و حتی کسانی که به مناسبتی با

1 - نهج-الفصاحه، چاپ تهران، نشر دنیای دانش، ص392، حدیث 1186.

2 - تصنیف غرالحکم و دررالکلم، نشر دفتر تبلیغات قم، ص294، حدیث 5165 و 5166.

ایشان مخالف بودند در برابر وی سر تعظیم فرود می آوردند و در حضورش خاضع و خاشع بودند و این همان بلند گردانیدن خداوند است مقام ایشان را که در احادیث منقوله بدان اشاره شده است.

2 - صبر:

از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمودند: الصبر والاحتساب افضل من عتق الرقاب و يدخل الله صاحبهن الجنة بغير حساب⁽¹⁾.

یعنی شکیبائی و سکون بالاتر است از آزاد کردن بندگان.
و خداوند صاحب این خصلت را بدون حساب داخل بهشت می گرداند.

3 - حلم و بردباری و سکوت:

قال ابوالحسن عليه السلام: من علامات الفقه: الحلم و العلم و الصمت.
انّ الصمت باب من ابواب الحكمة، انّ الصمت يكسب المحبه انه دليل على كل خير⁽²⁾.

در بحارالانوار در باب عقل و جهل در جلد یکم از حضرت امام موسی بن جعفر عليه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

از نشانه های علم و دانش و فقه: بردباری و دانش و سکوت است.

همانا سکوت دری است از درهای حکمت و موجب محبت شود و راهنمای تمام نیکی هاست.

و از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمودند: علیک بلزوم الصمت فانه یلزمک السلامه و یؤمنک الندامه (3) .

یعنی: بر تو باد به ملازمت خاموشی بدرستی که خاموشی با سلامتی تو همراه است و تو را از پشیمانی درامان دارد.

مرحوم آیت الله بهبهانی در این صفات انسانی: حلم و سکوت ممتاز بودند. کمتر در مجالس صحبت می فرمودند و آنچه می گفتند همگی علم و حکمت و پند و اندرز بود. کمتر ابتداء به سخن می نمودند و بیشتر گفته های ایشان در جواب سؤالات افراد بود. سنجیده و شمرده سخن می گفتند و کلام را درخور فهم سؤال کننده و مخاطب اداء می نمودند. در تألیفات خود نیز این نکته را بیشتر رعایت می نمودند. مثلاً کتاب های بیست پرسش و سی پرسش را چون جهت افراد متوسط اجتماع و عوام تألیف فرمودند جواب ها را با عبارات ساده و عوام هم مرقوم

1 - . نهج الفصاحه، ص 548 ح 1861.

2 - . الکافی ج 2، ص 113، باب الصمت و حفظ السان

3 - . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص 2216 ح 4256.

داشته اند و در کتابهای دیگر بالاخص کتاب مصباح الهدایه پایه سخن را بالا برده و درخور فهم افراد دانشمند و تحصیل کرده نوشته اند.

3 - صبر و وارستگی:

مرحوم آیت الله بهبهانی در این دو صفت نیز ممتاز بودند. در دوران زندگی خود زحمات و مشقات زیادی به ایشان روی کرده بود و در برابر آنها صبر نمودند. در برابر بزرگترین مصیبتها که مرگ فرزند باشد هیچگاه شکیبائی را از دست ندادند و عملی و سخنی که خلاف رضای خداوند باشد از ایشان دیده و شنیده نشد بلکه با کمال متانت دیگران را نیز در این مصائب تسلی میدادند. در پیش آمدهای سخت بیشتر به خداوند متعال توجه می نمودند و شکر نعمت های او را به جای می آوردند به طوری که در روز اول فروردین سال 1353 که فرزند دانشمندشان مرحوم آقا سید جعفر وفات یافت همه نگران بودند که این خبر وحشت اثر را چگونه می توان به ایشان گفت اما چه باید کرد در هر حال باید ایشان را آگاه ساخت پس از آنکه عده ای از علماء و پزشک مخصوص در خدمتشان حاضر شده و به هر کیفیتی بود به ایشان اطلاع دادند ایشان همچنان که جد بزرگوارشان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مرگ فرزندش جناب ابراهیم فرمود: دلم می سوزد و اشکم جاری می شود لکن حرفی که مخالف رضای خداوند باشد نمی گویم عمل فرمودند. در سوگ فرزند گریه کردند لکن صبر و متانت را از دست نداده و فرمودند، مسجد برویم و نماز بخوانیم. عمل ایشان نمونه ای از ایمان راسخ و یقین کامل و نفس مطمئن بود و ضمناً عمل به دستورات اسلام و قرآن و روش اولیاء دین

آنچه از صفات بارز و اخلاق ایشان گفته شود حق مطلب اداء نشده و نکته های ناگفته زیاد است به همین قدر اکتفا می شود:

«در شماره دوم مجله درس هایی از مکتب اسلام مورخ محرم 1396 (صفحه 142) مقاله مختصری در شرح حال مرحوم آیت الله بهبهانی به عنوان مرد علم و فضیلت نوشته در آنجا گوید:

مرحوم آیت الله بهبهانی علاوه بر مراتب علمی و فقاہت از نظر زهد و تقوی، پیراستگی و بی آلاچی، تواضع و فروتنی در درجه بس ممتاز قرار داشت و بیش از آنکه سخن بگوید به فکر و اندیشه می پرداخت و جز در مواقع لزوم کمتر سخن می گفت و در تشریح نظرات خویش و دیگران آداب محاوره را رعایت کرده و در تعظیم بزرگان می کوشید.»⁽¹⁾

1 - این قسمت که در کروش قرار گرفته است در مستدرک کتاب نقل شده بود که به اینجا انتقال داده شد.

آثار جاویدان مرحوم آیت الله بهبهانی:

اشاره

آثاری که از مرحوم آیت الله بهبهانی پس از فوتشان باقی مانده است را در چهار قسمت ذکر می-کنیم:

1 - تألیفات

2 - شاگردان

3 - آثار خیریه

4 - اولاد و اعقاب

1 - تألیفات

اشاره

عن علی ع: عقول الفضلاء اطراف اقلامهم⁽¹⁾.

خرد دانشمندان در پیرامون نوشته های آنان است.

یعنی از نوشته ها و تألیفات افراد می توان به میزان عقل و اندیشه آنان پی

برد.

مرحوم آیت الله بهبهانی به گواهی عموم دانشمندان در جمیع علوم عقلی و نقلی و فقه و اصول و تفسیر و کلام و حکمت و ادب صاحب نظر بودند در هر یک از آنها تألیفاتی از خود به جای گذاردند.

در دوره تحصیل تقریرات اساتید خود را می نوشتند و آنها را محفوظ نگاه می داشتند که عموم آنها به طبع نرسیده است. همچنین جزوات و یادداشت های دیگری مخطوط دارند.

ذیلاً به نام کتب چاپ شده ایشان اشاره می شود.

1 - اساس النحو در علم نحو که با سبک مخصوصی مباحث مختلفه علم نحو را مورد مذاقه و بحث و گفتگو قرار داده اند و برخی از اشتباهات دانشمندان این علم را روشن ساخته و در آن نظریات تازه ای اظهار نموده اند. کتاب به زبان عربی تألیف شده و به چاپ رسیده است.

2 - الاشتقاق در اطراف حدیث ابی الاسود دئلی مروی از حضرت علی علیه السلام
نام دیگر این کتاب: کشف الاستار عن وجه الاسرار المودعه فی الروایه الشریف منسوب به حضرت علی علیه السلام منقول از ابی الاسود دئلی است.

کتاب به زبان عربی تألیف شده و در سال 1381 قمری در 171 صفحه به طبع رسیده است.⁽²⁾

1 - . بر حسب تتبع ما این روایت در مصادر یافت نشد.

2 - . این دو کتاب اخیراً با تحقیق آیت الله شیخ محمد حسیناحمدی شاهرودی به چاپ رسیده است.

3 - بیست پرسش و پاسخ آن در پیرامون مباحث اعتقادی به زبان فارسی و مطبوع و در حقیقت بیست و یک پرسش است که افراد مختلف و به خصوص دانشمند محترم آقای دوانی از ایشان پرسش نموده و هم ایشان جواب های مرحوم آیت الله بهبهانی را تجزیه نموده و بدین صورت در آورده اند.

این پرسش ها و پاسخ های آنها یک بار در سال 1334 شمسی به طبع رسیده است و در سال 1349 مجدداً با مقدمه و تحشیه و تحریر و تنظیم فاضل معاصر آقای دوانی در 84 صفحه به سرمایه آقای حاج آقا رضا عمادزاده اصفهانی در قم به طبع رسیده و رایگان در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

4 - التوحید الفائق فی معرفه الخالق.

5 - جامع المسائل رساله علمیه. این کتاب جامع ترین رسائل عملیه است که از طرف مراجع تقلید به فارسی نوشته شده است و در حدود هفتصد مسئله و فرع اضافه بر کتاب توضیح المسائل مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی دارد و چاپ ششم آن در 560 صفحه در سال 1338 در قم انجام گردیده است.

6 - القواعد الکلیه فیما بیتنی علیه کثیر من معضلات مسائل الفقه و الاصول. در دو مجلد عربی جلد اول در 1333 در 287 صفحه و جلد دوم در سال 1380 در 232 صفحه به چاپ رسیده است.

7 - حواشی بر رساله توضیح المسائل مطبوع.

8 - حواشی و تعلیقات بر عروه الوثقی مرحوم آیت الله آقا سید محمدکاظم طباطبائی یزدی که مستقلاً در 120 صفحه در سال 1390 در قم به طبع رسیده است.

9 - حواشی بر وسیله النجاه مرحوم آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی که در سال 1393 در حاشیه کتاب مزبور در تهران به طبع رسیده است.

10 - رساله عملیه مطبوع در تهران.

11 - سی پرسش و پاسخ آن در پیرامون موضوعات اعتقادی فارسی مطبوع.

در این کتاب 21 پرسش که قبلاً به نام بیست پرسش ذکر شد با نه سؤال دیگر ضمیمه شده است.

12 - فواید هشتگانه در سال 1334 شمسی در 60 صفحه در تهران با تصحیح و پاورقی فاضل ارجمند آقای حسن مصطفوی به طبع رسیده است.

13 - چهل پرسش و پاسخ که همان سی پرسش و پاسخ است در بازنگری آخر و پاورقی های تازه به صورتی کامل، به نام مباحثی در معارف اسلامی توسط شیخ علی دوانی چاپ و منتشر گردیده است.⁽¹⁾

1 - به نقل از شرح حال افکار و آثار آیت الله بهبهانی، علی دوانی

14 - مصباح الهدایه فی اثبات الولایه در شرح چهل حدیث در تفسیر چهل آیه از آیات قرآن کریم در فضائل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت : بالاحص ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

کتابی بسیار نفیس و ارزنده و در موضوع خود از بهترین کتب مؤلفه می باشد. این کتاب به زبان عربی در سال 1364 در کربلا تألیف شده است و یک مرتبه در سال 1366 در تهران و دیگر بار در 1387 در اصفهان به چاپ رسیده است.⁽¹⁾

این کتاب از اول مورد نظر و دقت علماء و متکلمین قرار گرفته و تا کنون سه بار ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

ترجمه اول بوسیله مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمدرضا شفیعی دزفولی از شاگردان مرحوم آیت الله بهبهانی انجام گرفته و به نام مفتاح العنایه در ترجمه مصباح الهدایه به طبع رسیده است.

ترجمه دوم: کتاب مفتاح العنایه مورد توجه و مطالعه دانشمندان فارسی زبانان قرار گرفت و در مدت زمانی کمی نسخ آن نایاب شد چون آن را مجدداً خواستند به طبع برسانند دانشمند گرامی آقای حاج شیخ علی دوانی در این ترجمه تجدید نظر نموده و برخی از عبارات آن را اصلاح کرده و توضیحاتی در پاورقی بدان افزودند و آن را به نام شاهراه هدایت در سال 1376 به چاپ رسانیدند.

ترجمه سوم: چون آقای دوانی کتاب شاهراه هدایت را آماده چاپ نمودند متوجه اهمیت کتاب و موضوع آن شده و بر آن شدند که مجدداً ترجمه ای از آن نمایند و در پاورقی، احادیث متن را که عموماً از مآخذ شیعه و کتاب غایه المرام محدث عالیقدر سید هاشم بحرانی بود با کتب اهل سنت مطابقت دهند و این عمل را انجام داده و بدان جهت بر اهمیت ترجمه خود که به نام فروغ هدایت نامیده شده است افزودند. کتاب در سال 1346 خورشیدی در قم به طبع رسیده است.

آقای دوانی در مقدمه فروغ هدایت (ص 20) می-نویسد:

این کتاب در میان کتب شیعه و سنی مشابه زیاد دارد. معروف ترین آنها کتاب اربعین حافظ ابونعیم اصفهانی از علمای اهل سنت⁽²⁾.

و اربعین شیخ بهائی از دانشمندان شیعه است.

ولی آنچه مسلم است و می توانیم با مقایسه آنها به صراحت بگویم این است که: این کتاب بر تمامی

1 - . اخیراً با تحقیق آیت الله رضا استادی بچاپ رسیده است.

2 - . حافظ ابونعیم اصفهانی به گواهی بزرگانعلمای شیعه از علمای ما و از اجداد علامه مجلسی رضوانالله علیه می-باشد، (مهدوی)

اربعین ها و حتی سایر کتب کلامی مشابه خود فرق بارز دارد زیرا مؤلف عالیقدر آن حضرت آیت الله بهبهانی از اعظم فقهاء و مجتهدین شیعه است و گذشته از فقه و اصول که رشته تخصصی معظم له است در علوم ادبیات عرب نیز احاطه سرشار دارند و در مباحث صرف نحو و معانی و بیان هم صاحب نظر می باشد.

به همین جهت در این کتاب چه هنگام تحقق در پیرامون آیات و چه در موقع بحث و بررسی روایات شیعه و سنی تا آنجا که میسر است آیات را از جنبه ادبی به همان گونه که صادر شده است مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند.

و چنان که ملاحظه می کنید حق مطلب را به خوبی اداء کرده اند و سپس به نقل شواهدی از اهل تسنن می پردازند.

15 - مقالات حول مباحث الالفاظ در علم اصول فقه جلد اول آن در سال 1335 شمسی در 189 صفحه به زبان عربی در تهران به چاپ رسیده است.⁽¹⁾

16 - هدایهالحاج در مناسک حج فارسی چاپ پنجم آن در سال 1395 در اصفهان به طبع رسیده است.

چاپ کتب دیگران:

مرحوم آیت الله بهبهانی رحمته الله علیه روحه العزیز نسبت به علمای گذشته به خصوص اساتید خود کمال احترام را رعایت می نمودند. در هیچ مجلسی از خود و آثار خودشان حرفی به میان نمی آوردند و اگر دیگران نیز مطلبی در این باره اظهار می کردند با سکوت دائمی خود با آنها مواجه می شدند و در موقع سخن موضوع را به ذکر علماء گذشته و داستان های آنان و تألیفاتشان می-کشانیدند.

و این صفت یکی از صفات بارز آن مرحوم بود.

به دستور مرحوم آیت الله بهبهانی چندین کتاب از آثار علمای گذشته به طبع رسیده است که از آن جمله است:

1 - ترجمه توحید مفضل از آثار علامه بزرگوار مرحوم مجلسی رضوان الله تعالی علیه.

2 - التوحید از مؤلفات عالم نحریر آقا شیخ هادی تهرانی استاد استاد ایشان در 105 صفحه به سال 1391 به چاپ رسیده است.

1 - . اخیرا با تحقیق حجه الاسلام والمسلمین شیخ امیر خداوردی به چاپ رسیده است.

3 - ذخائر النبوه در خيارات از مؤلفات آقا شيخ هادي تهراني سابق الذكر به عربي در 261 صفحه به سال 1390 به چاپ رسيده است.

4 - الرضوان در صلح. از آثار آقا شيخ هادي (1) به عربي 174 در صفحه در سال 1390 به ضميمه ذخائر النبوه در يك مجلد به چاپ رسيده است.

5 - الصوم: رساله در صوم به عربي در 62 صفحه به سال 1391 به طبع رسيده است.

6 - ودائع النبوه در ولايت و مقتل به عربي در 127 صفحه در سال 1391 قمری به ضميمه كتاب التوحيد و رساله در صوم در يك مجلد به نفقه آقای حاج مهديخان شيراني اصفهانی به چاپ رسيده است.

7 - ودائع النبوه جلد دوم در طهارت به زبان عربي در سال 1391 به طبع رسيده است.

شاگردان:

اشاره

از سال 1328 قمری که حضرت آیت الله بهبهانی برای اولین بار از نجف به ایران برمی گردند و در شهر بهبهان مسقط الرأس خویش سکونت اختیار می فرمایند تا سال 1395 که در شهر اهواز داعی حق را لبیک اجابت فرمودند یعنی مدت 67 سال در شهرهای مختلف: بهبهان رامهرمز کربلا نجف اهواز و بالاخص اصفهان صدها عالم و فاضل از محضرشان مستفیض شدند که احصاء اسامی آنها غیر مقدور است.

در این رساله به نام برخی از اینان به طور اجمال اشاره می-شود.

شاگردان بهبهان

(2) حضرات آیات و حجج اسلام

1 - آقای حاج شیخ ابوالقاسم اثنی عشری.

1 - . علامه نحریر مرحوم آقا شیخ هادی بن محمدامین نجفی تهرانی از اعظام فقهاء و مجتهدین ومدرسین در 20 رمضان المبارک 1253 متولد و در تهران و اصفهان و کربلا و نجف در نزد بزرگان فقهاء و مجتهدین تلمذ نموده سپس در نجف ساکن و حوزه درس و مباحثه منعقد فرموده و چون در موقع نقل اقوال علماء گذشته گاهی به صراحت و گاهی کنایه انتقاداتی از علماء می فرموده مورد بی مهری جمع کثیری از مجتهدین وقت واقع شده و نسبت های ناروا به ایشان داده اند لکن تجلیل برخی دیگر از مجتهدین دلیل آن است که موضوع بر عده قبل مشتبه شده و خلاف واقع به برخی از آنان گفته اند. در هر حال وی را تألیفات و رسائل عدیده است در فقه و اصول و نحو و

کلام و غیره مرحوم آشیخ هادی در 20 سوال 1321 در نجف وفات یافته در یکی از اتاق های
صحن شریف مدفون گردید.

2 - . لازم به ذکر است که عده ای از شاگردان معظم له از اعظام فقها و علما بوده اند و مرحوم
مؤلفنام برخی از آنها را با شرح حال ذکر نموده بود. ما به جهت اختصار فقط به ذکر نام آنها اکتفا
نمودیم.

2 - آقاي سيد ابوالقاسم تقوي

3 - آقاي سيد اسماعيل سوقی

4 - آقا سيد محمدتقی

5 - آقاي صدر

6 - آقاي آقا سيد عبدالرسول آيتی

7 - آقاي شيخ عبدالله

8 - آقاي حاج سيد فرج الله مصطفوی صهر جليل مرحوم آيت الله بهبهانی.

شاگردان نجف اشرف:

حضرات آیات:

1 - حاج میرزا کاظم قاروبی تبریزی⁽¹⁾

2 - حاج سید علی علامه فانی اصفهانی

3 - حاج شیخ جواد تارا

4 - حاج شیخ علی لاری

شاگردان کربلا:

در مدت دو سالی که مرحوم آیت الله بهبهانی در کربلا تشریف داشتند و بر حسب تقاضای مرحوم آیت الله قمی به درس و مباحثه خارج فقه و اصول اشتغال ورزیدند جمعی از بزرگان به خدمت ایشان رسیده و از محضرشان استفاده نمودند.

اعلم و اشهر ایشان: مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدرضا بن شیخ محمدتقی جرقویه ای اصفهانی حائری می باشد.

شاگردان اصفهان:

اصفهان یکی از مراکز علمی ایران و از چندین جهت بر سایر حوزه های علمی ایران رجحان و برتری دارد.

1 - اساتید و مدرسین که بعد از حوزه علمیه قم در هیچ یک از شهرهای ایران مدرسین و مجتهدینی

1- . به نقل از شرح حال آیت الله بهبهانی، سیدعلی شفیع.

مانند اصفهان که تمام اوقات شبانه روزی خود را وقف علم و تحصیل و رسیدگی به کار دانشجویان دینی بنمایند وجود ندارد.

در مدرسه صدر بازار و مدرسه جده و سایر مدارس از قبل از طلوع آفتاب تا آخر شب مرتباً مدرسین چه در مدرس و چه در حجرات و یا در مسجد مدرسه به مباحثه اشتغال دارند و دسته دسته طلاب به خدمت اساتید رسیده و کامیاب می شوند.

تعداد جلسات درس در مدرسه صدر از مقدمات و سطح و خارج متجاوز از چهل حوزه می شود.

2- حوزه های علمیه اغلب شهرها در ایام تابستان به علت شدت گرما تعطیل می شود و طلاب دینی به شهرهای خود مراجعت می کنند لکن اصفهان به مناسبت اعتدال هوا و زیاد گرم نشدن هوا در تابستان درس ها نه تنها تعطیل نمی شود بلکه بیشتر رونق یافته و حوزه های جدیدی نیز تشکیل می گردد. که از آن جمله بود حوزه درس مرحوم آیت الله بهبهانی؛ در این حوزه درس متجاوز از دویست و پنجاه نفر از فضلاء و علماء و مجتهدین و اشخاص قریب الاجتهاد و متجزی شرکت می کردند.

ذیلاً به نام برخی از آقایان که در اصفهان به درس مرحوم آیت الله بهبهانی شرکت می نمودند اشاره می شود.

اینان هر کدام به نوبه خود از فضلاء و علماء و مدرسین و ائمه جماعت و وعاظ معروف این شهر می باشند.

حضرات آیات و حجج اسلام 1 - آقای حاج سید ابوتراب مرتضوی درجه
ای فرزند مرحوم آیت الله آقا سید مهدی درجه ای.

2 - حاج سید ابوالفضل جزائری.

3 - حاج سید اسماعیل هاشمی طالخونچه ای فرزند مرحوم آقا سید حسن
موسوی.

مشارالیه اغلب در جلسات استفتاء حضرت آیت الله بهبهانی شرکت می
نمودند.

4 - حاج شیخ اسماعیل کلباسی فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج شیخ
محمدرضا کلباسی.

5 - حاج آقا باقر صدیقین فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج ملا حسینعلی.

6 - حاج شیخ محمدباقر ناصری دولت آبادی.

7 - حاج شیخ محمدتقی فشارکی فرزند مرحوم آیت الله آخوند ملا
محمدحسین فشارکی.

8 - حاج شیخ محمدتقی نجفی فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج میرزا
عبدالحسین مسجدشاهی.

9 - آقای دکتر حاج سید جمال الدین سیادت موسوی.

10 - آقای حاج شیخ محمدجواد اصولی.

11 - حاج آقا جواد ابطحی.

12 - آقای شیخ حبیب الله شاهنده نکوآبادی لنجانی.

13 - حاج شیخ محمدحسن نجفی فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج شیخ
اسماعیل مسجدشاهی.

14 - حاج شیخ محمدحسین منصورزاده.

15 - آقا سید حسن مصطفوی.

16 - حاج سید آقا حسن نظام-الدینی کچوئی لنجانی.

17 - حاج شیخ محمدحسن مظاهری کرونئی فرزند مرحوم آقا شیخ علی.

مرحوم آیت الله بهبهانی قبل از اینکه تابستان ها به اصفهان تشریف بیاورند چندین سال به بروجرد می رفتند آقای مظاهری از مرحوم آیت الله بهبهانی دعوت نمودند که به اصفهان تشریف بیاورند و بر حسب دعوت ایشان مرحوم آیت الله بهبهانی اصفهان تشریف آوردند و بدین جهت عموم طبقات مردم اصفهان بالاخص علماء و فضلاء از آقای مظاهری ممنون گردیدند.

18 - آقای حاج سید محمدرضا مهدوی هرستانی.

19 - آقای حاج آقا رضا مظاهری فرزند مرحوم حجه الاسلام ملا محمدحسین کرونی.

20 - حاج آقا صدرالدین کلباسی فرزند مرحوم حاج میرزا رضا.

21 - حاج آقا ضیاءالدین تجویدی فرزند مرحوم حاج سید علی نقی.

22 - حاج سید عبدالحسین روضاتی فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج میرزا حبیب الله چهارسوقی.

23 - آقا شیخ عبدالله ادیب نکوآبادی مقسم شهریه از طرف مرحوم آیت الله بهبهانی.

24 - حاج ملا علی مارینی.

25 - حاج میرزا علی آقا میرمحمد صادقی فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمدباقر احمدآبادی.

26 - حاج سید علی طباطبائی خوراسگانی.

27 - حاج شیخ محمد علی فشارکی اصفهانی

28 - حاج فخرالدین کلباسی فرزند مرحوم حاج میرزا رضا.

29 - حاج آقا مجتبی میرمحمد صادقی نجل جلیل مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمدباقر احمدآبادی و از مدرسین سطوح در مدرسه صدر.

30 - حاج سید محمد مهدوی هرستانی.

31 - حاج میرسید محمد ابطحی فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمدعلی حسینی سدهی مشارالیه با جمعی دیگر از فضلاء در جلسه استفتاء نیز شرکت می-نمودند.

32 - حاج آقا محمد روضاتی فرزند حجه الاسلام آقا میرزا محمود.

33 - حاج آقا مرتضی ابطحی فرزند مرحوم حاج سید سلیمان سدهی.

34 - حاج آقا مرتضی مهدوی هرستانی.

35 - آقای آقا شیخ مهدی نواب لاهیجانی فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج میرزا ابراهیم نواب.

36 - حاج سید مهدی مصطفوی فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمدتقی موسوی فروشانی.

37 - حاج آقا میرزا صادقی فرزند حجه الاسلام حاج سید محمدباقر احمدآبادی

38 - حاج سید حسن فقیه امامی

39 - آقا محمد علی فقهی

عده زیادی از طلاب حوزه علمیه قم نیز که به اصفهان می آمدند در جلسه درس مرحوم آیت الله بهبهانی شرکت می نمودند و برخی از آنها نیز گاهی سؤالاتی می نمودند که نشانه مقام علمی آنان بود لکن متأسفانه فعلاً اسامی آنان را نمی دانم و عدم ذکر اسامی عده زیادی از فضلاء به مناسبت ندانستن نام آنان است و بدین جهت از همگان معذرت می -خواهم.

برخی دیگر از شاگردان:

در رامهرمز و اهواز و خرم آباد نیز عده شاگردان و کسانی که از محضرشان استفاده نموده اند زیاد می باشند فعلاً به نام چند نفر که اسامی آنها بر نویسنده معین است اکتفاء می-شود.

حضرات آیات و حجج اسلام

1 - حاج شیخ محمد تقی مجلسی

2 - حاج شیخ مهدی قاضی خرم آبادی⁽¹⁾

1- . نام این دویزرگوار در کتاب شرح حال آیت الله بهبهانی علی دوانی ذکر شده است.

3 - حاج سید اسماعیل حسینی مرعشی

4 - حاج سید محمد کاظم آل طیب

3 - آقا سید ابوالحسن آل علی

4 - آقا سید ابوالقاسم هاشمی بهبهانی

5 - حاج سید اسماعیل حسینی مرعشی

6 - مرحوم حاج سید محمدجعفر آیت-الله-زاده بهبهانی.

7 - حاج سید محمدرضا شفیعی دزفولی فرزند آقا سید محمدعلی از خواص

آیت الله بهبهانی

8 - عمادالاسلام آقای حاج سید عبدالله مجتهدزاده نجل جلیل مرحوم آیت

الله بهبهانی

9 - حاج سید علی احمدی سدهی اصفهانی از علماء مقیم خوزستان.

10 - حاج سید محمدعلی سعادت بهبهانی از احفاد سید عبدالله بلادی.

11 - آقا سید محمدکاظم طباطبایی داماد مرحوم آیت الله بهبهانی.

12 - حاج سید محمد موسوی جزائری از احفاد محدث کبیر حاج سید نعمت-الله جزائری.

14 - حاج شیخ ناصر حمادی عرب

15 - آقای شیخ یدالله پورهادی.

16 - حاج سید علی شفیعی.

17 - حاج سید مرتضی مروج .

18 - حاج شیخ محمد ابن العلم دزفولی.

19 - حاج سید محمد حسین فقیه.

20 - سید عبدالمطلب آل مهدی جزایری.

21 - شیخ ابوالقاسم مروج یزدی.

22 - شیخ مصطفی معزی دزفولی.

23 - سید محمد طاهر شفیعی.

24 - حاج سید عبدالرسول مصطفوی. نوه دختری آیت الله بهبهانی.

25 - سید جواد الیاسی.⁽¹⁾

چون بنای این کتاب اولاً بر اختصار است از تحقیق درباره اسامی دیگران و ذکر اسامی آنان پوزش می طلبم و علت عدم ذکر اسامی برخی از آقایان منحصراً بی-اطلاعی نویسنده بوده است.

3 - آثار خیریه مرحوم آیت الله بهبهانی:

اشاره

مرحوم آیت الله بهبهانی در طول مدت مرجعیت خود آثار گرانبهایی از مسجد و مدرسه و تکیه و غیره باقی گذاردند که احصاء تمام آنها فعلاً غیر مقدور است از آن جمله:

1 - دارالعلم آیت الله بهبهانی:

ساختن مدرسه علمیه اهواز به نام دارالعلم حضرت آیت الله بهبهانی که از بناهای پرشکوه اسلامی است در زمینی به مساحت دو هزار مترمربع دارای چهل و شش حجره در دو طبقه و مسجد و کتابخانه و مدرس و رخت-شوئی و آشپزخانه و حمام و مجهز به تمام وسایل و برق و لوله-کشی آب و غیره احداث گردید. در حال حاضر تعداد 350 نفر⁽²⁾ محصل به طور شبانه-روزی در آنجا ساکن و مشغول تحصیل می-باشند. عده-ای نیز در روزها جهت مباحثه و تحصیل به مدرسه مراجعه می-نمایند. در دو ماه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان که جمعی از مبلغین و وعاظ از شهرهای مختلف به اهواز وارد می-شوند

در آنجا سکونت می نمایند، و از مبلغین و وعاظ و طلاب هر روز پذیرایی به عمل می آید.

مدرسین از فضلاء و علماء اهواز بوده و طلاب و محصلین دارالعلم سالی دو مرتبه امتحان می-شوند و امتحانات آنها زیر نظر مدرسین و کتبی و شفاهی انجام می-گردد.

در واقع امروز محور روحانیت خوزستان و پناهگاه مردم دارالعلم آیت الله بهبهانی است. بخصوص که در ایام محرم و صفر و ماه مبارک رمضان و ایام شهادت ها و ولادت های ائمه معصومین : فعالیت تبلیغی هم در آن انجام می گیرد. زمین دارالعلم با پیشنهاد آیت الله بهبهانی و اقدامات غلامرضا دبیران، شهردار وقت اهواز که از مردان کاردان و باایمان و نظر مساعد استاندار وقت غلامرضا فولادوند که هر دو به آیت الله بهبهانی ارادت خاصی داشتند و آثار و خدمات ارزنده ای برای مردم اهواز از خود به یادگار گزاردند. واگذار شد، بقیه امور به همت مردم باایمان و پشت کار آنان تحت نظر مستقیم آیت الله بهبهانی و فرزندان به انجام رسید. امید است این مرکز علمی پس از آن مرحوم به حیات علمی خود ادامه دهد.

1 - . اسامی این بزرگواران را مرحوم مؤلف نقل ننموده، ما به عنوان استدراک با استفاده از نوشته آقای علی دوانی ذکر نمودیم.

2 - . به نقل کتاب شرح حال آیت الله بهبهانی، علی دوانی.

2 - کتابخانه دارالعلم آیت الله بهبهانی

کتابخانه دارالعلم که دارای متجاوز از یازده هزار مجلد کتاب خطی و چاپی مفید و نفیس بوده و در زمان حیات مرحوم آقا سید محمدجعفر فرزند مرحوم آیت الله بهبهانی زیر نظر ایشان اداره می-شد و پس از فوت مشارالیه اداره کتابخانه مانند تمام کارهای دیگر به عهده تقهالاعلام آقای حاج سید عبدالله مجتهدزاده فرزند ارشد مرحوم آیت الله فقید قرار گرفت.

3 - مدرسه علمیه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه

مدرسه علمیه حضرت ولی عصر در رامهرمز به سال 1324 شمسی توسط مرحوم آیت الله بهبهانی تأسیس شد و از همان موقع طلاب علوم دینی در آن به تحصیل اشتغال ورزیدند.

این مدرسه در سال 1380 ه بازسازی شد و در 27 ماه رجب سالروز بعثت حضرت خاتم انبیاء ﷺ سال 1412 ه مجدداً بازگشائی گردید. (1)

4. مدرسه علمیه و حسینیه آیت الله بهبهانی در منطقه کیان اهواز

مدرسه علمیه و حسینیه آیت الله بهبهانی در منطقه کیان اهواز نیز از اماکن دینی و تبلیغی بسیار فعال اهواز است. حدود هفتاد نفر از آقایان طلاب در مدرسه به درس و بحث مشغول هستند. حسینیه آن جا هم در ایام عاشورا و دیگر مناسبت های ولادت و شهادت ائمه اطهار :، جلسات مفیدی در آن برگزار می شود.

مدرسه منطقه کیان توسط مرحوم حاج سید عبدالله مجتهدزاده فرزند ارشد آیت الله بهبهانی تأسیس شده، و پس از وفات ایشان، در سال 1367 شمسی توسط فرزند ارشد آن مرحوم حاج نورالدین مجتهدزاده تولیت آن افتتاح گردید.⁽²⁾

5 - منزل یا حسینیه آیت الله بهبهانی

آقای حاج سید نورالدین مجتهدزاده در سال 1355 شمسی منزل مسکونی آیت الله بهبهانی واقع در خیابان مجاهدین اهواز را از ورثه خریداری نموده، سپس آن را به نام بیت الحسین علیه السلام، حسینیه آیت الله بهبهانی وقف کرده است. هم اکنون منزل مسکونی در دوره سال غیر از ایام محرم و صفر و ماه مبارک رمضان ایام فاطمیه اول و دوم و روزها و شبهای جمعه و اعیاد و شهادت ائمه اطهار: مجلس جشن و عزاداری در آن منعقد می شود.

1- . به نقل کتاب شرح حالات آیت الله بهبهانی، علی دوانی.

2- . به نقل کتاب شرح حالات آیت الله بهبهانی، علی دوانی.

این کار آقا نورالدین مجتهدزاده از هر نظر قابل تقدیر است، زیرا منزلی را که سالها محل سکونت جد بزرگوارش آیت الله بهبهانی رحمته الله علیه بوده و با حضور آن مرحوم مجالس عید و عزا گرفته می شده، و آن همه علما و بزرگان و عامه مؤمنین در آن آمد و رفت داشته اند، و حتی در اوائل، جلسات درس آیت الله بهبهانی در آن برگزار می شده است، از صورت ملک شخصی خارج، و برای استفاده عامه مردم و انعقاد مجالس مذهبی وقف نموده است⁽¹⁾.

6 - مسجد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اهواز:

این مسجد در مرکز شهر واقع در خیابان امام خمینی؛ واقع شده است. زمین این مسجد در زمان حیات آیت الله بهبهانی توسط مرحوم حاج مهدی چیت ساز وقف گردید و به امر مبارکشان ساختمان و بنای مسجد ساخته شد و توسط ایشان افتتاح گردید. و نماز جماعت معظم له که در حسینیه شمّاسی بود به علت کثرت جمعیت به این مسجد انتقال یافت.

لازم به ذکر است که در طبقه فوقانی این مسجد کتابخانه ای عمومی به امر ایشان دایر گردید و مدّتی درس آیت الله بهبهانی در این مکان برگزار می شد و پس از آنکه دارالعلم افتتاح شد و به آن جا منتقل گردید.

در سال های اخیر مقداری زمین با تلاش بی شائبه حاج سید نورالدین مجتهدزاده خریداری شده و به مسجد اضافه گردید و در حال حاضر از مساجد دایر اهواز است. اکنون به مسجد آیت الله بهبهانی مشهور می باشد.

7 - مسجد عزیزالله خان در رامهرمز:

این مسجد در زمانی که آیت الله بهبهانی در رامهرمز سکونت نمودند، توسط ایشان مقداری از ساختمان مسجد تکمیل گردید و نماز جماعت معظم له در این مکان دایر گردید. و در سال های اخیر به علت اینکه ساختمان مسجد در طرح تعریض خیابان قرار گرفت و مقدار زیادی از زمین مسجد جزء خیابان گردید و با همت والا و تلاش مخلصانه نوه ارشد ایشان جناب آقای حاج سید نورالدین مجتهدزاده زمین دیگری در کنار آن خریداری و مسجد جدیدی ساخته شد که در حال حاضر از مساجد بسیار باشکوه و با عظمت خوزستان به شمار می آید و به مسجد آیت الله بهبهانی. (موقوفه عزیزالله خان) نام گذاری شد. در کنار این مسجد ساختمان زینبیه و کتابخانه ای قرار گرفته که متأسفانه هنوز تکمیل و ساخته نشده است. سزاوار است که خیرین محترم خاصه مردم خوزستان نسبت به بازسازی و تکمیل این دو ساختمان اقدام لازم را مبذول فرمایند تا موجب سربلندی بیشتر مردم منطقه گردد.

1- . همان.

8 - مسجد جامع آیت الله بهبهانی در جازان:

این شهر در 60 کیلومتری شهرستان رامهرمز قرار گرفته است. کلنگ این بنای مقدس توسط مرحوم آیت الله بهبهانی انجام شد و در زمان حاضر با تلاش و زحمات چندین ساله برادر خدمت گزار حاج جواد فنواتی و با حمایت والا و پیگیری های لازم جناب مستطاب حاج سید نورالدین مجتهدزاده ساختمان و بنای مسجد تکمیل گردید. و اکنون از مساجد با عظمت و باشکوه و آبرومند خوزستان می باشد.

و بحمدالله در حال حاضر این آثار با تولیت جناب مستطاب حاج سید نورالدین مجتهدزاده به احسن وجه اداره می شود و الحق ایشان مانند پدری مهربان و دلسوز به امورات طلاب، روحانیون و مردم خاصه محرومان و مستضعفان رسیدگی شایسته می نمایند. از خداوند منان طول عمر، سلامتی، عزت و دوام توفیقات ایشان را خواستاریم. ⁽¹⁾

9 - ساختمان و تعمیر تعداد زیادی مسجد و حسینیه در شهر اهواز و حومه آن.

10 - ساختمان در حدود چهل مسجد در فرمانداری کل کهگیلویه و بویر احمد.

11 - تأسیس مدرسه علمیه در یاسوج مرکز فرمانداری کل کهگیلویه و بویر احمد در زمینی به مساحت پنج هزار متر مربع.

12 - ساختمان مسجد در جنب مدرسه علمیه یاسوج در همان زمین.

13 - ساختمان منزل جهت امام جماعت و عالم و مدرس مدرسه علمیه یاسوج در همان زمین.

14 - ساختمان منازل بسیار جهت اهل علم و کمک به کسانی که در سال 1340 خورشیدی خانه هایشان در اثر سیل خراب شده بود.

استاندار وقت آقای غلامرضا فولادوند در سمت شرقی اهواز زمینی به مردم سیل زده و کپرنشینان، به امر و راهنمایی مرحوم آیت الله بهبهانی واگذار نمود که به هر نفر از آنان زمینی به مساحت یک صد و پنجاه متر داده شد. خانه های اهل علم و دیگران با کمک آن حضرت ساخته شده.

15 - تأسیس دبستان و دبیرستان دخترانه اسلامی اهواز جهت تحصیلات دوشیزگان و بانوان که از هر جهت رعایت اصول اسلامی در آنها می-شود.

16 - مؤسسه تبلیغاتی حضرت آیت الله بهبهانی. در سال 1353 یکی از مردمان خیر خوزستان آقای حاج عباسعلی فتحی زمینی به مساحت 700 متر بدین منظور به ایشان واگذار نموده و ساختمان سالن

1 - . مطالب داخل گروه استدراک بر متن مؤلف است. (مصحح)

سخنرانی و تبلیغات و کلاس درس اصول عقاید و کتابخانه و قرائت خانه در
آنجا تأسیس شود.

آثار خیریه اصفهان:

مرحوم آیت الله بهبهانی نظری بلند و دستی با خیر و برکت داشتند و در هر کجا که اقدام به ساختمان و تأسیس مسجد و غیره می نمودند. مردم نیکوکار بدون تأخیر و تعلل به امر مبارک ایشان اقدام نموده و هرچه زودتر به اتمام می رسید. در اصفهان نیز مانند خوزستان آثار خیریه زیادی از مرحوم آیت الله بهبهانی به جای مانده که از آن جمله است.

1 - مسجدالرضا علیه السلام در دروازه شیراز

2 - مسجدالمهدی عجل الله فرجه در کنار خیابان زردشت در هزار جریب که در روز عید فطر سال 1392 قمری کلنگ آن به دست توانای ایشان زده شد.

3 - مسجد شاهین شهر که در همان روز کلنگ آن زده شد.

4 - مسجد و حمام در کنگاز از محلات خراسگان اصفهان.

5 - درمانگاه حجتیه در خیابان سروش اصفهان که هر روز عده زیادی از بیماران در آنجا مداوا می شوند.

6 - رادیولوژی مهدیه در محله احمدآباد وابسته به جمعیت خیریه احمدآباد که تا کنون متجاوز از دو میلیون تومان مخارج آن شده و از بیماران به خوبی پذیرایی و عکس برداری می شود.

7 - مسجد حجت در قریه هاردنگ از قرای لنجان علیا.

8 - کمک به ساختمان خانه های آسیب دیدگان سیل اشن: در تابستان 1352 در ناحیه عربستان بلوک کرون اصفهان بارندگی شده و در نتیجه سیل مهیبی برخاست که به قریه اشن (به فتح اول و ثانی و سکون ثالث) خسارت زیاد وارد گردید. به محض آنکه خبر سیل به ایشان رسید به امر مبارکشان مرحوم آقای سید عبدالله مجتهدزاده و جمعی دیگر به محل سیل زده رفته و از نزدیک آثار سیل را مشاهده نموده و به ایشان گزارش دادند و از طرف معظم له امر شد که به مردم مصیبت زده کمک شود و در ساختمان خانه های آنان اقدام گردد و امریه ایشان اجرا گردید.

اولاد و اعقاب:

مرحوم آیت الله بهبهانی دارای پنج پسر و سه دختر بودند که متأسفانه چهار نفر از پسران ایشان در زمان حیاتشان وفات یافته و پدر بزرگوار خود را داغدار کردند:

1 - حجه الاسلام حاج سید عبدالله موسوی مجتهدزاده از علماء و فضلاء در خدمت پدر بزرگوار خود و عده ای دیگر تحصیل نموده و اداره تمام کارهای مرحوم آیت الله بهبهانی به عهده ایشان بود و ایشان در کمال صفا و صمیمیت و خلوص نیت به آنها رسیدگی نموده در جنبه های اخلاقی و اجتماعی و رسیدگی به کار مراجعین و خدمت به مردم در حد قدرت و توانایی خود کوشش می نمودند.

تولیت دارالعلم و آثار خیریه حضرت آیت الله بهبهانی به عهده ایشان بود و از زمان حیات پدر در مسجد ایشان اقامه جماعت می نمودند و پس از ارتحال والد معظّم نیز جمیع امور را همچنان که در زمان حیات پدر اداره می فرمود انجام می دادند. حشر الله مع اجداده الطاهرين. عدالت و وثاقت و همچنین کفایتشان مورد گواهی همگان است.

2 - مرحوم حجه الاسلام آقا سید محمدجعفر موسوی. در سال 1345 قمری متولد گردیده و در رامهرمز خدمت پدر بزرگوار خود تحصیل نموده سپس جهت تکمیل به نجف اشرف مهاجرت نموده و آنجا نزد آقا میرزا باقر زنجانی و آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی رحمتهما الله با کمال سعی و جدیت اشتغال

جسته در این اواخر به علت ابتلاء به مرض یرقان مجبوراً به ایران مراجعت فرموده و گاهی در ایام تابستان که مرحوم آیت الله بهبهانی اصفهان تشریف داشتند به اصفهان آمده و تمام آشنایان و دوستان و اهل علم شیفته و فریفته صفات و اخلاق ایشان بودند متأسفانه معالجات اطباء در ایران و خارج مؤثر واقع نشده و در روز اول فروردین ماه سال 1354 مطابق پنج-شنبه 26 صفرالمظفر 1394 قمری در اهواز وفات یافته در مقبره دارالعلم حضرت آیت الله بهبهانی مدفون گردید.

وی را تألیفات است از آن جمله: 1 - تقریرات اصولی استادش میرزا مرحوم آقا باقر زنجانی. 2 - المجموعه الجعفریه، کشکول مانند در پنج جلد (صفحه 193 معجم رجال الفکر و الادب). مرحوم آقا سید محمدجعفر در فضایل اخلاقی و ملکات نفسانی بی نظیر. در اثر حسن خلق، لطف و مهربانی محبوب آشنایان و دوستانش بود و فوت او موجب تأثر شدید کلیه طبقات گردید. عده زیادی از شعراء در تاریخ وفاتش مرثیه و ماده تاریخ گفتند که از آن جمله حضرت حجه الاسلام حاج شیخ عباسعلی⁽¹⁾ ادیب حبیب آبادی از علماء معاصر اصفهان در ضمن قطعه ای گفتند:

واحداً زد و قل بتاریخه احشر الجعفر مع الجعفر

$$1393 + 1 = 1394$$

تا یک هفته در اهواز و سایر شهرهای خوزستان و اصفهان جلسات ختم برای او منعقد گردید و در مراسم هفته و چهلم او چندین هیئت از اصفهان به همراهی جمعی کثیر از مردم به اهواز رفتند و مدرسین و وعاظ و طلاب و تجار و محترمین جهت عرض تسلیت و شرکت در مراسم به اهواز حرکت نمودند.

3 - آقا سید محمدتقی (متولد 1312 خورشیدی) تحصیلات مقدماتی را نزد پدر بزرگوار خود به انجام رسانیده و در سن سی و سه سالگی در سال 1345 در اثر تصادف اتومبیل وفات یافت و موجب تألم روحی حضرت آیت الله بهبهانی گردید و در اهواز و اصفهان برای او جلسات ختم منعقد گردید و در مراسم هفته او عده ای از طلاب و مدرسین از اصفهان به اهواز رفته و خدمت حضرت آیت الله بهبهانی عرض تسلیت نمودند.

4 - و 5 - آقا سید مهدی و آقا سید رضا که هر دو در کودکی در رامهرمز وفات یافتند.

و اما دختران ایشان:

1 - زوجه: حضرت آیت الله آقا سید فرج الله مصطفوی بهبهانی از بنی اعمام حضرت آیت الله بهبهانی، عالم فاضل زاهد از رؤسا و علماء بهبهان و مورد احترام قاطبه اهالی آن سامان، در بهبهان متولد گردیده و در خدمت اساتید آنجا مقدمات و سطوح را فراگرفته سپس به محضر مبارک آیت الله بهبهانی رسیده و مدت بیست و یک سال در درس و بحث ایشان حاضر شده تا به مراحل عالیه علم و عمل رسیده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و وعظ و ارشاد و تدریس پرداخته و کتب زیر از ایشان است:

1 - کتابی در ریاضیات و قاعده جبر و مقابله. 2 - رساله در قاعده لا ضرر

3 - کتابی در رد شبهات فاضل جبهان سنی در رد بر دعای ندبه موسوم به کلمه الجواب (و از اینجا معلوم می شود که کسانی که بر دعای ندبه ایراد و انتقاد میکنند مطالبشان از کجا سرچشمه میگیرد).

4 - کتابی در شک در نماز جماعت. 5 - کتابی در بیانات صاحب جواهر و اشکالات صاحب حدائق و صاحب ریاض.⁽²⁾

1 - . از علماء و مدرسین و ائمه جماعت اصفهان عالم فاضل ادیب شاعر ریاضی دان مؤلف کتب و رسائل عدیده از آن جمله: 1 احسن التقویم مطبوع 2 ارث الشیعه مطبوع 3 دیوان اشعاعربی 4 ملحقات قضاوت-های امیرالمؤمنین 75 مجموعه زیارات مکه و مدینه که به ضمیمه مناسک مرحوم آیت الله حکیم به چاپ رسیده است 6 وظایف الشیعه شرح دعای ندبه مطبوع 7 هدیه العباء در شرح حال صاحب بن عباد مطبوع و غیره.

2 - . گنجینه دانشمندان صفحه 3/250 با اندک تصرف.

2 - زوجه حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمدکاظم طباطبایی «فرزند فقیه عالیقدر حضرت آیت الله سید محمد رحیم طباطبایی می باشد. از علماء خوزستان که در مناعت طبع و تقوا زبان زد بود و مدتی هم به جای مرحوم آیت الله بهبهانی اقامه جماعت می نمودند» (مصحح) که سابقاً در رامهرمز ساکن بوده و بعد در شهر اهواز ساکن گردیدند.

3 - زوجه آقای آقا سید ابوطالب موسویون که از بازاریان متدین ساکن بهبهان و بعد اهواز بوده اند. مرحوم آیت الله بهبهانی از پسران و دختران دارای نوادگانی می باشند که برخی از آنها در لباس روحانیت و از فضلاء اهواز محسوب می شوند و به خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارند.

سلامتی و توفیق همه آنان را از خداوند منان مسئلت داریم.

«گفتمی است که خاندان آیت الله بهبهانی به علاوه ی آن همه ماثر و مفاخر، در ایام جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران اسلامی، افتخار شهادت در راه حق هم یافتند.

سید عبدالامیر فرزند آقا سید نورالدین فرزند ارشد مرحوم حاج سید عبدالله مجتهد زاده، نواده ی آیت الله بهبهانی در سن 21 سالگی در عملیات فتح المبین به فیض شهادت رسید و در شبی که بنا بود عروسی کند در اهواز به خاک سپرده شد.

سید حسین پسر 21 ساله مرحوم آقا سید جعفر مجتهد زاده، نواده ی دیگر
آیت الله بهبهانی نیز در کرخه به شهادت رسید و در تهران که مادرش در آن جا
بود، مدفون گردید.

دختر 12 ساله آقا سید ابوطالب موسویان، نوه ی دختری آیت الله بهبهانی هم
در یکی از خیابان های اهواز بر اثر ترکش خمپاره دشمن بعثی که شهر را هدف
قرار داده بود شهید شد.» (مصحح)

آیت الله بهبهانی در بستر بیماری:

مسافرت به تهران:

در اردیبهشت 1354 که ضعف کلی بر مزاج آیت الله بهبهانی غلبه کرده بود جهت معاینه و معالجه ایشان را به تهران برده و چندین روز در یکی از بیمارستان ها بستری نمودند. در این ایام دومرتبه حال ایشان برگشته و در اغماء فرو رفتند و سپس بهبودی جزئی حاصل نموده و بعد از مرخصی از بیمارستان و چند روز استراحت به اصفهان تشریف فرما شدند و چون وضع مزاجی ایشان مقتضی نبود مراسم استقبال مانند سال های قبل انجام نشد.

یکی از علماء و مدرسین و ائمه جماعت تهران که سال ها در تهران و قم و نجف نزد اساتید تلمذ نموده است بیان داشت که: پس از آنکه وضع مزاجی مرحوم آیت الله بهبهانی کمی بهتر شده بود و از حالت اغماء بیرون آمده بودند به عیادت ایشان رفتیم و در ضمن دیدن مسئله ای علمی از غوامض مسائل عنوان شد. مرحوم آیت الله بهبهانی با حال نقاهت و ضعف کلی شروع به جواب فرمودند و گاهی نفس ایشان به شماره می افتاد و مدتی مکث می کردند و سپس دنباله مطلب را می فرمودند و به طوری موضوع را بیان داشتند که من پس از سالها تحصیل در نزد اساتید، متوجه اصل مسئله و جواب شدم و دانستم که تا این تاریخ موضوع را درک نکرده بودم.

آیت الله بهبهانی در اهواز:

در ماه هایی که مرحوم آیت الله بهبهانی در سال 1354 خورشیدی در اصفهان بودند ضعف و نقاهت به کلی بر ایشان غلبه داشت به طوری که فقط پنج روز از ایام ماه مبارک رمضان در مسجد شاه اقامه جماعت فرمودند و جلسه درس در منزل ایشان منعقد می شد و پس از مراجعت به اهواز ضعف بر ایشان غلبه کرده و به بیمارستان منتقل شدند و جلسه در منزل ایشان منعقد می شد. وضع مزاجی ایشان در بیمارستان گاهی اندکی بهتر بود و پزشکان اظهار امیدواری می کردند و گاهی نیز در حالت اغماء بودند.

پرستار مخصوص ایشان که ضمناً راننده ایشان نیز بود (حاج آقا رحیم ملکیان) نقل نمود که در تمام مدت بیمارستان که گاهی ظاهراً در حال اغماء و بیهوشی بودند کاملاً هوشیار بودند و افراد را نیز خوب می شناختند لکن از شدت ضعف چشم ها را بر هم می نهادند و با کسی صحبت نمی کردند و دائماً مشغول ذکر و تسبیح و تهلیل بودند.

هفته پرتشویش:

اشاره

در اواسط ماه ذی القعدة الحرام که مرحوم آیت الله بهبهانی در بیمارستان اهواز بستری بودند هفته ای پراضطراب و تشویش بود. رادیو خوزستان و روزنامه های تهران و غیره مرتب وضع مزاجی ایشان را گزارش می داد غم و شادی و بیم و امید به هم پیوسته بود گاهی نوید سلامتی می داد و زمانی در وخامت حالشان اعلامیه صادر می نمودند، آقای دکتر عجمی (آقای دکتر عجمی فرزند مرحوم حاج احمد کاشانی اصفهانی از اطباء متدین و خدمتگذار که در

اصفهان در خانواده ای دیندار و باتقوا متولد گردیده و پس از اخذ مدرک پزشکی سال ها در اهواز به انجام خدمات پزشکی مشغول و به مناسبت صداقت و مهارت در فن خود و حسن انجام وظیفه مورد احترام کلیه طبقات بودند) حتی در شبی که ایشان وفات یافتند اظهار امیدواری می کردند و در تلاش بودند که به هر کیفیتی شده است ایشان را که مبتلا به ضعف مفرط بودند علاجی نموده و مردم را از نگرانی نجات بخشند، لکن به مضمون: «العبد یدبر والله یقدر» حضرت حق جل و علا چنین مقدر فرموده بود که ایشان از دنیا رحلت نمایند.

رؤیای صادقه:

نقل کردند از یکی از اعظام علماء مراجع ساکن قم که در شب رحلت حضرت آیت الله بهبهانی در عالم رؤیا چنین می بیند که حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان عجل الله فرجه بوسه بر کتف آیت الله بهبهانی می زند. وحشت زده از خواب بیدار شده و می پرسد که از اهواز و آقای بهبهانی چه خبر دارید؟ در جواب گفته می شود که دیشب تلفن شده است که حالشان نسبتاً بهتر است و رادیو نیز این خبر را تأیید کرده است. بعد از ساعتی به ایشان خبر می دهند که طبق تلفن که فعلاً از اهواز شده است حضرت آیت الله بهبهانی در ساعت 4/5 بعد از نیمه شب وفات یافته اند و صدق رؤیای ایشان ظاهر می شود. آن سید جلیل القدر و عالم بزرگوار آیه: **(إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)** خوانده و خواب خود را نقل می نماید.

وفات آیت الله بهبهانی:

اشاره

مرحوم آیت الله آقای بهبهانی در شب شنبه 18 ذی القعدة سال 1395 ساعت چهار و نیم بعد از نیمه شب در بیمارستان رحلت نموده و پس از ساعتی خبر فوت ایشان به وسیله تلفن به اصفهان و دیگر شهرها ابلاغ گردید.

انعکاس خبر فوت در اهواز:

مردم اهواز شب 18 ذی القعدة را با تشویش و نگرانی به سر بردند هنوز آفتاب طلوع نکرده بود که مردم شهر از ماجرا خبردار شدند یکسره شهر اهواز در ماتم فرو رفت و خاک غم بر در و دیوار پاشیده شد پرچم های سیاه بر سر در مساجد و تکایا و مغازه ها افراشته گردید سیل جمعیت به سمت بیمارستان روان شد. خبر اولاً به وسیله تلفن به شهرها ابلاغ گردید و سپس رادیو خوزستان خبر فوت را منتشر ساخت.

مردم شهرهای نزدیک چون شوشتر و دزفول و بهبهان و آبادان و آقاجاری و رامهرمز با تلفن تقاضا کردند که مراسم تشییع چند ساعت به تأخیر افتد تا بتوانند خود را به شهر اهواز رسانیده و در این تشریفات شرکت کنند از یکی دو ساعت از آفتاب برآمده اتوبوس ها و ماشین های سواری مسافریں ماتم زده را به اهواز وارد می کردند منظره ای دیدنی و تأثرآور بود. چندین هزار نفر از مردم شهرهای خوزستان تا حدود ظهر به شهر وارد شده بودند همه نوحه سرائی می کردند و در این ماتم عمومی اشک می ریختند و به سر و سینه می زدند.

جمعیت در پیرامون بیمارستان گرد آمده جنازه را با عزت و احترام به حسینیه اعظم منتقل کردند.

مراسم تشییع:

موقعی که جنازه مرحوم آیت الله بهبهانی را به حسینیه اعظم وارد نمودند پس از مراسم غسل و کفن، به وسیله حضرت حجه الاسلام آقای حاج سید عبدالله مجتهدزاده آیت الله زاده بهبهانی نماز خوانده شد و جنازه از آنجا در حدود ساعت دو بعدازظهر به سمت دارالعلم مقبره ایشان در آنجا قبلاً به وسیله خودشان تهیه شده بود حمل گردیده دسته های سینه زن و زنجیرزن از مردم اهواز و سایر شهرستان های خوزستان در جلو و عقب جنازه مشغول نوحه سرائی و عزاداری بودند در جلو هر موکبی علمای محل و سپس مردم آن ناحیه حرکت می کردند. تعداد جمعیت تشییع کنندگان را از قریب یکصد هزار نفر تخمین زدند. شهر اهواز تا آن موقع چنین تشییعی به خود ندیده بود فاصله حسینیه اعظم و دارالعلم در مدت سه ساعت طی شد و جنازه حدود ساعت پنج به مقبره وارد گردیده و در کنار قبر مرحوم آقا سید جعفر آیت الله زاده بهبهانی به خاک سپرده شد.⁽¹⁾ در تمام این روز صدای تلاوت قرآن از بلندگوهای مساجد اهواز شنیده می شد، از فردای آن روز در حسینیه اعظم و دارالعلم و عموم مساجد اهواز مجالس بزرگداشت از طرف علما و بزرگان و اهالی محل منعقد شده و تا چندین روز بعد از روز هفته ادامه داشت.

خبر فوت آیت الله بهبهانی در اصفهان:

ساعت 6 صبح روز شنبه 18 ذی القعدة یکی از شوم ترین ساعات بود تلفن اهواز خبر فوت را برای اولین دفعه به آقای حاج رضا عمادزاده و به وسیله ایشان به علماء و محترمین اصفهان ابلاغ نمود. هنوز ساعت 8 صبح فرا نرسیده بود که بیشتر ارادتمندان مرحوم آیت الله بهبهانی از پیش آمد فوت خبردار شده بودند.

بازار اصفهان روز شنبه را به عنوان عزای عمومی در مرگ پیشوای عظیم الشان خود تعطیل کرد و مردم

1 - . بحمدالله مرقد مطهر ایشان در حال حاضر از زیارتگاه های مهم خوزستان می باشد.

ماتم-زده و مصیبت دیده در مدرسه صدر بازار و سایر مساجد جمع شده و همدیگر را تسلیت می دادند.

اعلان های جلسات ختم در بین مردم منتشر گردید.

در همان روز قرار بود در مدرسه صدر جلسه ختم دو تن از علمای اصفهان که در همان ایام وفات یافته بودند منعقد گردد و با خبر فوت مرحوم آیت الله بهبهانی جلسه به نام ایشان برگزار گردید.

روز یک شنبه از طرف حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمدرضا شفتی در چهل ستون مسجد سید حجه الاسلام جلسه ختم منعقد شد. جلسه بسیار باشکوهی بود عموم علماء و اعیان و تجار و محترمین و کارمندان و بازاریان و کسبه از اول آفتاب تا ظهر دسته دسته شرکت نمودند.

بازارچه بیدآباد و خیابان محمد رضا شاه⁽¹⁾ که مسجد سید در کنار آن قرار دارد سیاه پوش بود و عموم مغازه ها تعطیل کرده بودند و جلو هر مغازه ای قاریان قرآن نشانده بودند و در برخی از مغازه ها جعبه های ضبط صوت با نوار قرآن گذارده بودند از بلندگوی مسجد صدای تلاوت قرآن شنیده می شد. در محله بیدآباد و مسجد سید روحانیت و معنویت توأم با حزن و اندوه مشاهده می شد. قیافه های مردم غم زده و چشم ها گریان بود، چند تن از وعاظ منبر رفته و از فضائل و ملکات و شخصیت علمی و روحانی مرحوم آیت الله بهبهانی صحبت نمودند.

از عصر روز یکشنبه تا عصر جمعه مرتباً در هر وقت دو سه جلسه ختم در مدارس و مساجد اصفهان منعقد بود که مهم-ترین آنها:

1 - جلسه مسجد اباذر از طرف حضرت آیت الله حاج میرزا ابوالحسن موسوی شمس آبادی.

2 جلسه مدرسه ملاعبدالله از طرف حضرت حجه الاسلام آقای حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی و حاج سید بهاءالدین نحوی.

3 - جلسه مسجد نو حاج رسولی ها از طرف حضرت آیت الله آقای حاج آقا حسین موسوی خادمی.

4 - جلسه مسجد نوبازار از طرف حضرت حجه السلام آقای حاج شیخ مجدالدین مجدالعلماء نجفی.

5 - جلسه مسجد شاه از طرف کسبه چهارسو مقصود و میدان شاه.

6 - جلسه مسجد شفیعی از طرف حضرت حجه الاسلام حاج سید محمدعلی صادقی امام جماعت مسجد، از علماء و مدرسین مدرسه صدر بازار.

7 - جلسه حسینیه عمادزاده روز هفتم رحلت مرحوم آیت الله بهبهانی.

1 - . مراد سال 1354 می باشد و اطلاعی از نام فعلی آن نداریم.

عده ای از علماء و ائمه جماعت و مدرسین اصفهان در این ایام به مسافرت حج مشرف بودند و الا جلسات ختم تا چندین روز پس از هفته نیز ادامه می یافت.

حرکت عده ای از مردم اصفهان به اهواز:

در روز شنبه 18 ذی القعدة که خبر فوت مرحوم آیت الله بهبهانی به اصفهان رسید جمعی از محترمین و تجار با هواپیما روانه اهواز شدند تا در مراسم تشییع شرکت کنند و عده ای نیز به وسیله ماشین حرکت کردند و تا روز چهارشنبه عده زیادی حرکت کرده بودند، در روز پنج شنبه عده ای از علماء و طلاب و محترمین تجار و کسبه به صورت دسته جمعی با چندین اتوبوس به سمت اهواز حرکت کردند که در مراسم هفتمین روز فوت پیشوای خود شرکت نمایند.

سحر روز جمعه به شهر اهواز وارد شده و در جلسه قبل از ظهر دارالعلم شرکت نمودند. بعد از ظهر همگی در حسینیه اعظم جمع شده و به صورت اجتماع با چندین علم که از اصفهان همراه آورده بودند به سمت دارالعلم حرکت کردند.

در پیشاپیش جمعیت آقایان علماء و طلاب و پیش سر آنها مردم که عده آنها چندین هزار نفر می شد به نوحه سرائی و عزاداری مشغول بودند و فاصله بین حسینیه اعظم و دارالعلم را بدین کیفیت طی نموده وارد دارالعلم شده و به عزاداری و سوگواری مشغول شدند. ایشان از خود بی خود بودند و همگان اشک می ریختند و به سر و سینه می زدند. در این قسمت واعظ محترم آقای دیباجی منبر رفته و از طرف عموم مردم اصفهان این مصیبت را به حضرت عمادالاسلام

آقای مجتهدزاده و سایر افراد خاندان محترم آقای بهبانی تسلیت گفتند،
جمعیت شبانگاه با اجازه از ایشان مرخص شده به اصفهان مراجعت نمودند.

آیت الله بهبهانی مورد توجه ائمه طاهربین

نقل شد از یکی از علماء بزرگ اصفهان که مورد توجه عموم طبقات بالاخص علماء و مراجع می باشند و سال ها در اصفهان و نجف اشرف تحصیل نموده اند و اکنون در اصفهان از مدرسین و ائمه جماعت و مورد وثوق می باشند که قبل از تشریف فرمائی مرحوم آیت الله بهبهانی به اصفهان شبی در عالم رؤیا چنین به نظر رسید که وارد بازار شدم و مردم را در جنب و جوش و هیجان مشاهده کردم علت را از کسی پرسیدم گفت که: حضرت امام زمان عجل الله فرجه به اصفهان تشریف آورده و فعلاً در میدان شاه می باشند. شتابان خود را به میدان رسانیده در وسط جمعیت آیت الله بهبهانی را دیدم که مردم او را با عزت و احترام همراهی می کنند با خود گفتم که ایشان آقا سید علی بهبهانی رامهریزی می باشند که من ایشان را می شناسم و در نجف خدمتشان رسیده ام از خواب بیدار شدم فردای آن روز که به مدرسه صدر می رفتم عده ای از طلاب و بازاریان را دیدم که از احوال آقای بهبهانی از من سؤال کردند و اظهار داشتند قرار است که ایشان به اصفهان تشریف بیاورند متوجه خواب خود شدم و دانستم که ایشان مورد عنایت و توجه مخصوص حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه می باشند.

رؤیای صادق دیگر:

در ایام وفات مرحوم آیت الله بهبهانی در اهواز نقل شد که یکی از بزرگان علماء مدت ها ریاضت می کشید و متوسل به دعا و ختم بود که در بیداری یا خواب به فیض حضور محضر با برکت امام عصر ارواحنا فداه نائل گردد تا شبی در عالم رؤیا به او می گویند مطلوب شما اکنون در یکی از حجرات صحن مطهر علوی است. خود را به اطاق منظور رسانیده شاید به وصال محبوب نائل گردد چون در اطاق وارد می شود مرحوم آیت الله بهبهانی را می بیند که در صدر مجلس نشسته اند، از خواب بیدار می شود و فردای آن روز برای ایشان خواب خود را نقل می کند می فرمایند راضی نیستم که تا زنده ام این خواب را برای احدی نقل کنید. از این دو رؤیای صادق معلوم می شود که حضرتش مورد توجه حضرت امام زمان عجل الله فرجه بوده و در سلک نواب عام ایشان قرار دارند.

خوابی دیگر: از قول خود مرحوم آیت الله بهبهانی نقل شده که فرمودند در موقعی که مشغول تألیف کتاب الاشتقاق بودم روزی یکی از طلاب گفت دیشب جهت شما خوابی دیده ام و نقل کرد که:

در عالم رؤیا به من گفتند که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از اطاق های صحن تشریف دارند من به قصد شرفیابی به محضر مبارک ایشان شتابان خود را به اطاق رسانیدم شما را در اطاق دیدم که نشسته و جواهراتی در جلو شما بود خواهش کردم که از این جواهرات چیزی به من عطا کنید دست بردید و یک دانه فیروزه درشت گرانبها به من عنایت فرمودید از خواب بیدار شدم اکنون خدمتتان رسیده و از آن جواهرات چیزی می خواهم. ظاهراً مرحوم آیت

الله بهبهانی فرمودند به او گفتم که مشغول تألیف چنین کتابی می باشم که شرح یکی از فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و آن نکات علمی و عملی که در کتاب بدان ها اشاره شده است جواهرات گرانبها می باشند.

خبر رحلت مرحوم آیت الله بهبهانی در شهرهای دیگر:

روز 18 ذی القعدة که رادیو تهران خبر درگذشت مرحوم آیت الله بهبهانی را منتشر نمود موجب تأثر عمیق عموم علماء و فقهاء و حوزه های علمیه شده و تلگرافات تسلیت به آقازاده ایشان آقای مجتهدزاده و خاندان جلیل موسوی بهبهانی نموده و در بیشتر شهرهای ایران مجالس ختم منعقد گردید.

علماء اصفهان و تهران و قم که به قصد انجام فریضه حج به مملکت حجاز رهسپار شده بودند در این وقت در مدینه طیبه بودند در آنجا مجالس متعدد ختم منعقد نموده و گویندگان در پیرامون شخصیت علمی و مقام زهد و تقوی و آثار وجودی ایشان سخنرانی ها نموده و آنها که از نزدیک با حضرتش آشنا نبودند بیش از پیش متأسف و غمگین شدند به دو علت: یکی از دست رفتن چنین پیشوای عالیقدری و دیگر آنکه چرا تا آن موقع آن چنان که باید حضرتش را نشناخته و از مصباح هدایتش فوایدی برنگرفته اند.

در رثای آیت الله بهبهانی:

در فوت مرحوم آیت الله بهبهانی عده ای از گویندگان و شعرا مرثیه ها و ماده تاریخ ها گفتند که ذیلاً جهت تکمیل این یادداشت ها چند نمونه از آنها نقل می-شود:

1 - مرثیه و ماده تاریخ که حضرت آیت الله عالم جلیل آقای آقا شیخ مجتبی حاتمی لنکرانی از مدرسین طراز اول اصفهان که پس از وقایع سال 1391 هجری قمری از عراق به ایران مهاجرت فرموده و در اصفهان سکونت اختیار نموده اند گفته اند.

انانی ضاحياً نبأ شجانی	فکدر صفو عیشی مادهانی ⁽¹⁾
فیالله من خطب فجیع	مریر الحزن والمأسی ⁽²⁾ سقانی
تری الدهر الخون عل ابن حوا ⁽³⁾	یثیر رزیه فی کل آن
وای فتی شهدت یطیب نفساً	خلی البال من ریب ⁽⁴⁾ الزمان
فلو عمرت الفأ عمر نوح	یمر بک الدهور وأنت فانی
بنو الحمر ⁽⁵⁾ بنو اصرحاً مشیداً	فظل الصرح ینعی کل بان

- 1 - . مادهانی: ما اوقفنی فی الداهیه ایالمصیبه.
- 2 - . المأسی: مصدر میمی بمعنی السوء
- 3 - . ابن حوا: ای البشر المتولد منها
- 4 - . ریب: جمع الریبه
- 5 - . بنو الحمرا: ملوک من العرب کانوا فی اندلس

واذ نزلوا المطنب من خيام دعاهم للقفلول⁽¹⁾ الحاديان
لقد طحن الملوک رحي المنايا فاردفت التعازى للتهانى
فأين ملوک حمير فى شئام⁽²⁾ وتبع ملكهم وذووا⁽³⁾ يمان
فلا نصح الزمان لارد شير ولا سمح الزمان لاردوان
نوائب دهرنا تترى علينا فهل نكرى⁽⁴⁾ لسمع او عيان
الا فى كل كارثه⁽⁵⁾ سلو⁽⁶⁾ سوى فقد الامام البهبهانى
نعوا علماً بكل تقى ورشد ومكرمه يكل بهالسانى
مجلى⁽⁷⁾ فاز بالقدح المعلى شئى⁽⁸⁾ الا قران فى عز وشان
بعلم الفقه فاق وفى اصول وفى فن المعانى والبيان
و بالتحرير والتقريير ابدى تبحره فنعم الشاهدان

1- . القفلول: بالفارسيه کوچ

2- . شئام: لغه فى الشام

3- . ذووا: كناية عن ملوک يمن المبدو أسمائهم بكلمه ذو، مثل ذواً ياس وذو يزن

4- . نكرى: الانكار

5- . كارثه: كل ما يوجب الغم و الهم

6- . سلو: التسلى

7- . يعنى در مسابقه.

8- . شئى: مثل رمى

على والتقى و ضعا لمعنى
 يبذل كل سيئه بحسنى
 على خلق عظيم اذ نماه⁽¹⁾
 ماثر منه لا تحصى بعد
 فضائله فواضله كثار
 فلا الطائي⁽²⁾ يقرب منه جودا
 وفى ناديه دوماً⁽⁴⁾ قد شهدنا
 ابوالصرا⁽⁵⁾ او رثه نده
 اذا لفظا هما مترادفان
 ويصفح عن جريمه كل جان
 الى خر الورى فخر الكيان
 ينوء برقمهن الكاتبان
 فهذا اول جننى بثانى
 ولا التقفى⁽³⁾ فى كرم يدانى
 وفود البائسين على الخوان
 فذا ان رمت⁽⁶⁾ مدحته كفانى
 ألا تسعاً لقوم عا ندوه
 طغاه الناس أنذال⁽⁷⁾ الزمان

1- . نماه: اى انتسابه

2- . الطائي: هو الحاتم المعروف

3- . التقفى: معن ابن زائده المعروف بالجود

4- . وفى ناديه دوماً: اى فى مجلسه دواماً

5- . ابوالصرا: لقب موسى الكاظم⁷

6- . رمت: قصدت

7- . انذال: جمع نذل الساقط من الشرف

لئن عادوه عن خطل وجهل فقد تنوا شيوخ النهروان
ففار بجتين قريير عين جرت عيناهما النضاختان
تمنى جعف⁽¹⁾ لقيها اييه وآئذ هما يتعانقان
خليلي اصطينا نار هجر وها هو في النعيم فانصفاني
فقدناه ويا خسران حظ وشكوانا لرب مستعان
فأدوى يومه حزناً و شجواً على الاسلام لاعجه يعانى⁽²⁾
نعم هو يوم عيد للنصاري وصابي واليهود وبرهمان
الى عام مضى فيه سعيداً يشير الحاتمي للنكراني
اضف ستاً وعشراً ثم ارخ على حل في روض الجنان

1 - آقای آقا شیخ مجتبی حاتمی لنکرانی فرزند علامه جلیل ورع صالح آقا
شیخ محمدحسن بن شکور بن حاتم بن احمد بن اصغر لنکرانی نجفی از علماء
نامدار و مدرسین عالیمقدار و مجتهدین در علم و عمل و زهد و تقوی و شعر و
ادب و تاریخ و لغت و محاضرات بی نظیر می باشند، در سال 1315 قمری متولد
گردیده و در نجف اشرف در خدمت جمعی کثیر از بزرگان علم و ادب و رجال
همچون مرحوم حاج میرزا ابوالهدی کلباسی و آقا سید ابوتراب خونساری و آقا
شیخ محمدجواد بلاغی و آیات الله العظام آقا سید

1- . جعفر: ولده رحمه الله عليهما

2- . يعانى: يرى العناء

ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا میرزا محمدحسین نائینی و حاج شیخ محمد حسن کمپانی اصفهانی تلمذ فرموده تا به مقام شامخ اجتهاد رسیده و سال ها در نجف اشرف حوزه تدریس داشته و جمعی کثیر از افاضل طلاب به درس ایشان حاضر گردیده و سپس چندین سال به سامره مهاجرت فرموده و حوزه علیمه آنجا را اداره نموده و مجدداً به نجف اشرف معاودت فرموده سرانجام در قضایای ذی القعدة سال 1391 قمری مجبوراً به ایران مهاجرت کرده و برحسب خواهش علماء و بزرگان این شهر در اصفهان سکوت اختیار نمود و صبح-ها در مدرسه صدر بازار و عصرها در مدرسه جلالیه احمدآباد حوزه درس منعقد فرموده و عده ای از افاضل طلاب به محضرش حاضر گردیده و مستفیض می شوند ضمناً در این چند سال بر حسب خواهش آقای حاج آقا رضا عمادزاده و جمعی از مؤمنین شب های ماه مبارک رمضان در حسینیه آقای عمادزاده یک ساعت مردم را موعظه و ارشاد می فرمایند و به خصوص در موضوع ولایت داد سخن می دهند.

آقای لنکرانی فقیهی است جامع و مجتهدی است بارع در فلسفه و حکمت و کلام و تفسیر و رجال و صرف و نحو و معانی و بیان و نحو و لغت و تاریخ و شعر و ادب صاحب نظر می باشد، از آثار قلمی ایشان کتاب اوفی البیان در شرح قصیده منجیه مرحوم علامه زاهد ورع آقا سید محمد بن سید مرتضی کشمیری به طبع رسیده است. در معجم رجال الفکر و الادب (ص 391) درباره ایشان می گوید:

عالم فاضل مجتهد من اساتذه الفقه والاصول شاعر عبقری حسن الاخلاق
سریع البديهه والنکنه له دیوان شعر، کتابات متفرقه فی الفقه والاصول...

آقای رازی در گنجینه دانشمندان (ص 160 جلد سوم) درباره ایشان بعد از نقل مطالبی می-نویسد:

ایشان گذشته از مقام علم و فضل، عالمی پارسا و موصوف به تقوی و دارای ملکات فاضله اخلاقی و محامد آداب و محاسن اخلاق و مبرا از تظاهرات و بسیار متواضع و خلیق میباشد و از امامت و تعینات روحی دوری مینمایند و در اصفهان هرچند علماء اعلام و متدینین اصرار برای نماز جماعت و اداره مسجدی نمودند نپذیرفتند خود را با آن مقام شامخ علمی و زهد و تقوی لایق این سمت ندانسته و به نماز دیگران شرکت مینمایند (انتهی).

پدرشان علامه جلیل مرحوم آقا شیخ حسن عالم فاضل ورع صالح در نزد اساتید بزرگ تلمذ نموده و تقریرات فقهی و اصولی آنان را به رشته تحریر درآورده و همچنین حواشی بر رسائل عملیه نوشته و از جمعی از بزرگان همچون حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل تهرانی و آقا سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی و آقا سید حسن صدر کاظمینی روایت میکند و آقا میرزا محمدعلی اردوبادی و جمعی دیگر از ایشان روایت میکنند. سرانجام در روز شنبه 9 جمادی الاولی سال 1361 قمری وفات یافته است. (تقباءالبشر صفحه 465 + معجم رجال الفکر و الادب صفحه 391)

2 - مرثیه و ماده تاریخ که حجه الاسلام آقای حاج آقا مجتبی⁽¹⁾ میرمحمد

صادقی اصفهانی سروده اند:

لهفى فوت العالم الفقيهه البههانى السيه النبيهه
 لهد شجى قلوبنا بفوته و احترق الفؤاد بعد موته
 لم تأت ام الدهر مثله ولا يأتى الزمان مثله مجتهدا
 قد جمع الفضائل المنوعه قد الف العلوم فى كتب قيمه
 راح الى روح مع الرضوان نال سعاده الى الجنان
 اصبحت الشريعه غريباً و اصبح الاسلام مستجيرا
 بمن يلوذ بعده الاسلام من استجار بعده الانام
 انا فقدنا سيداً عالى النسب الى على ثم موسى انتسب
 التمسوا عام الرحيل عنى قلت ارتجالا قبل ان يفتنى
 انقص ثلثاً ثم ق (قد انطفى بفوته نور الدين المصطفى)

1354 هجرى شمسى

1 - . آقاى حاج آقا مجتبى ميرمحمد صادقى نجل جليل حجه الاسلام
 مرحوم حاج سيد محمدباقر حسيني احمدآبادى از فضلاء و ائمه جماعت
 اصفهان و مدرسین مدرسه صدر عالم فاضل اديب شاعر در خدمت بزرگان
 علماء تلمذ فرموده و اکنون سال هاست که در مدرسه صدر سطوح فقه و اصول
 تدریس می نماید، وی از مبرزین شاگردان مرحوم حاج مير سيد على مجتهد
 نجف آبادى می باشد. مشارالیه نواده دختری علامه خبير مرحوم حاج
 آقامنیرالدین بروجردى اصفهانی می-باشد.

3 - مرثیه و ماده تاريخى که آقاى حسين عبداللهى خوروش⁽¹⁾ متخلص به
 همت از نویسندگان و مؤلفین اصفهان سروده اند.

آیت الله بهبهانی پاک
گنج پر قیمت است و با ارزش
مرد حق، چون به حق شود واصل
هست زندان مرد حق «دنیا»
همچو مرحوم (بهبهانی) پاک
او یکایک را جو ز (مصباح)
تا بینی عالم آن باشدی که آثارش
دوستی بهر فوتش از من خواست
(نود و پنج) و (سیصد) از هجرت
حق کند رحمت آن فقید سعید
گشت مخفی و قدرش افزون شد
رتبه اش بر فراز گردون شد
گشت مستخلص و همایون شد
وآنکه در علم در مکنون شد
در (ولایت) کمال معجون شد
رهبر تشنگان چو جیحون شد
علم و حلمش کمال مشحون شد
بیعت شعری که پاک موزون شد
کلک (همت) نوشت و مقرون شد

رفت و واصل به حق بی چون
ش
لیلہ القدر چون بزرگ آمد
چون شب قدر و گنج پنهان
گشت
ارجعی را بگفت چون لبیک
آیه الله و مرجع تقلید نگر آثار
او هدایت حق نگر (الاشفاق)
مرد وارسته بود و ناشر علم
پی تاریخ فوت او گفتم
سال فوتش بدون رنج و حساب
زین سبب زیر خاک مدفون شد
درجئاتش ز حصر بیرون شد
از دد و دیو دهر مسجون شد
که ز مرگش قلوب محزون شد
کار ز شش به ز گنج قارون شد
بر چه نحوی کلام مخزون شد
قلمش گر شکست و وارون شد
چند بیته که نیک مضمون شد
(یک هزار)ش بر او چون افزون
ش
رفت و واصل به حق بی چون

فوت او اندر هزار و سیصد و ز اصفهان این نظم را تا زاو بماند
پنجسـاه و چسـار یادگسـار

7 - مرثیه اثر طبع آقای میرزا فضل الله خان اعتمادی «برنا».

رثاء و ماده تاریخ در ارتحال سید العلماء و المجتهدین، قدوه الفقهاء و
المحققین، برهان الاتقیا و الصالحین قدوه الانام، حجه الاسلام مرحوم آیت الله
ابوجعفر الحاج میر سید علی موسوی بهبهانی اعلی الله مقامه الشریف:

تا به کی دل بسته ای بر زدگی ما چو مهمانیم و این دیر کهن
ایسـن جسـان مهمانسـرا
این جهان باشد همان رندی که این جهان باشد همان شبرو که در
خم و کوزه ساخت یک دم ربسود
این جهان آن کهنه عفریتیست کز آری آری عاقبت، مرگت برد در
افسـون گرسـت قعر گسور
کهربای مرگت آخر می رباید عاقبت می گرددت بالین و بستر
همچسـوکسـاه خاک و خشست
هر توانائی که روزی پرورد در تا یکی در نزد افرادی چو خود
دامسـنش یسا دون خسود
تا یکی بندی ببند بندگی با دست تا یکی از بهره ترفیع مقام و
خسـویش منزلسست
من نگویم در پس زانوی غم گیر من نگویم خط بطلان کش به
انسـزوا روی زنسـدگی

چشمه سار فیض را بود آن زعیم آب
 حیات
 قبله حاجات مردم، پیشوای مرد و زن
 من ندانم خوانمش انسان کامل یا ملک
 چشم بست از این سرای عاریت شهباز
 فیض
 آفتاب علم را گردید خاک تیره میخ
 سال فوتش را به سال هجری و اُجد
 نمود
 این جهان هرگز نمیباشد سرای جاودان
 قد و بالای قباد و روی و موی اردوان
 مسند از یعقوب لیث و جقه از الب
 ارسلان
 از کیاست گر ز کیهان پانهی بر
 کهکشان
 این جهانش روز دیگر می نماید ناتوان
 از برای خدمت دونان، میان بهر دونان
 من نگویم از همه هستی خود دامن
 فشان
 آخر از این رهگذر باید نماید کاروان

آیت الهی که با مرگ عزیزان، داغدار
 بود او کوه متانت با تواضع، همفرین
 جامع کل علوم و حاوی اصل و فروع
 سیر شد از این محیط و خسته ز ابناء
 زمن
 رفت عنقای فراست بر فراز قاف قرب
 نی که خوزستان بود تنها ز مرگش بی
 زعیم
 (حاج می سید علی جنات را کرده
 وطن)
 کی بود مهمانسرا دائم سرای میهمان
 از کف جم جام و تاج از تارک
 نوشیروان
 از فراست گر گذاری پا به فرق فرقدان
 ای که بستر سازی اکنون از پرند و
 پرنیان
 بهر تعظیم و ستایش مینمائی خم میان
 خسته می سازی زبان خود به مدح این
 و آن
 مسکن خود کن مغاری یا که غاری را

دشمن بی دینی و خودخواهی و	رهبر جمعی کثیر از اهل تدریس
ظلم و ستم	و قلم
بر همه آثار اهل دانش و تقوی	زد چو در ملک نعم زین وادی
حکم	محنت قدم
در دو تاریخ جدا از هم وفاتش را	گفت (میر سید علی نزد علی شد
رقم	در (ارم)
زد رقم تاریخ دیگر در وفات آن	گفت (به مینو کرد رو آن بهبهانی
زعم	فخیم)
خامه برنا پی تاریخ فوت او رقم	بهبهانی در جنان باشد ندیم شاه
زد	مردان
مصرعی را تا که بتوانی به دو	در جنان باشد ندیم شاه مردان
نعش بخوانی	بهبهانی

خاتمه

: عده ای دیگر از شعراء و ادباء اصفهان و خوزستان در مرثیه و تاریخ فوت مرحوم آیت الله بهبهانی اشعاری سروده اند که فعلاً جهت اختصار از درج آنها صرف نظر گردید و فقط به ذکر اسامی آنان اکتفا می شود.

1 - آقای رها از گویندگان اصفهان

2 - آقای سبزواری: حاج آقا جعفر از اصفهان

3 - آقای شفیعی: آقای حسن شفیعی از ایزدخواست

4 - صادق: آقای حاج آقا مجتبی مرثیه و ماده تاریخ فارسی از اصفهان

5 - عاصی: آقای اصغر شیرانی از اصفهان

6 - آقای معلم: از رامهرمز

7 - ناصری: آقای آقا سید یحیی از طلاب دارالعلم اهواز

8 - تسلیت نامه از فضلاء هندیجان

ملحقات

سابقه مبارزاتی مرحوم آیت الله بهبهانی

سابقه مبارزاتی مرحوم آیت الله بهبهانی⁽¹⁾ مرحوم آیت الله بهبهانی از آغاز نهضت روحانیون ایران با پیشگامی حضرت امام خمینی در راستای قیام ایشان و دیگر مراجع عظام بودند.

بعد از واقعه پانزده خرداد 1342 پس از دستگیری امام در قم و بازداشت ایشان در تهران، آیت الله بهبهانی از جمله مراجعی بودند که برای دفاع و حمایت از امام خمینی به تهران هجرت کردند، و چهار ماه در تهران ماندند و خواستار آزادی امام خمینی بودند.

پیکار با رژیم پهلوی

مرحوم آیت الله بهبهانی در ایامی که در نجف اشرف مشغول به تحصیل بود با حوادث مشروطیت آشنا گردید. از آغاز نهضت حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در راستای قیام ایشان قرار گرفتند.

در نیمه ی دوم 1341 هـ ش رژیم پهلوی تصمیم گرفت انجمن های ایالتی و ولایتی را در شهرها ایجاد نماید، ولی روحانیون به سبب مسائل خلاف شرعی که در این طرح گنجانیده شده بود، با این اقدام دولت به شدت مخالفت کردند. مراجع تقلید قم، امام خمینی رحمته الله علیه، آیت الله بهبهانی و علمای طراز اول کشور با صدور اعلامیه و سخنرانی، به مخالفت با این طرح برخاستند.

در اعلامیه ای که ایشان به همین مناسبت صادر کردند چنین آمده است: «اخیراً در جرائد که خبر تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی درج شده، اسلامیت و ذکوریت که دو شرط اساسی و قانونی بوده، در تصویب نامه ی مذکور حذف شده. این امر نگرانی عامه علاقمندان به دین مبین اسلام بالاخص علمای اعلام را که حامیان مذهب هستند فراهم آورده؛ در این موقع که سیل بی دینی در خارج، استقلال کشورهای مسلمین را تهدید می کند، حمایت از مقررات اسلام و رضایت عامه شرط نخستین استقلال کشور است.»⁽²⁾

سرانجام رژیم پهلوی مجبور شد به دنبال یک نهضت دو ماهه علماء و روحانیون، لایحه ی

1 - . این قسمت در متن مرحوم مؤلف ذکر نشده است و از کتاب آیت الله بهبهانی به روایت اسناد ساواک که به تازگی منتشر گشته اضافه شده است. (مصحح)

2 - . اسناد انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج 2، ص 28. انجمن های ایالتی و ولایتی را متوقف نماید.

در تاریخ 1342/1/2 (مطابق با 25 شوال، سالروز شهادت امام صادق علیه السلام) مزدوران رژیم پهلوی به مدرسه ی فیضیه حمله کردند، که منجر به زخمی شدن و شهادت شماری از طلاب گردید. اعلامیه های زیادی از سوی مراجع تقلید، در محکومیت این اقدام رژیم صادر گردید.

و از سوی ایشان نیز اعلامیه ای منتشر گردید:

«تعداد چندین تلگراف از طرف روحانیون اهواز به نام های آیت الله بهبهانی و .. به آقای خمینی در قم مخابره و ضمن اظهار همدردی با مردم قم و تبریز آمادگی خود را اعلام داشته اند و در پاسخ تلگرافات مذکور آیت الله خمینی از آنان تشکر و اظهار داشته فعلاً در مقابل زور عملی نمی توان کرد.»⁽¹⁾

به دنبال ادامه مبارزه و ایراد سخنان کوبنده عصر عاشورا از سوی حضرت امام خمینی، شب 12 محرم 1383 مطابق با 15 خرداد 1342 حمله وحشیانه، رژیم شاه به سنگر روحانیت آغاز گردید. بسیاری از روحانیون به وسیله عوامل رژیم پهلوی به اماکن نامعلومی برده شدند و جمعی هم تحت تعقیب قرار گرفتند. در ساعت 3 بعد از نیمه شب 15 خرداد سربازان گارد به منزل امام خمینی یورش بردند و پس از دستگیری ایشان به سوی تهران روانه شدند. مرحوم حاج آقا مصطفی، فرزند امام خمینی که شاهد عینی این جریان بود، با تمام نیرو فریاد سر داد که «خمینی را بردند» و مردم قم سراسیمه از خانه ها بیرون ریختند و اطراف خانه امام اجتماع نمودند.

همزمان با دستگیری قائد بزرگ، حضرت آیت الله قمی از مشهد و آیت الله محلاتی از شیراز دستگیر و به تهران اعزام شدند. پس از اطلاع روحانیون خوزستان از این واقعه اعتصاب نماز جماعت نموده و برای کسب تکلیف به سوی منزل مرجع بزرگ شهر عزیمت می نمایند:

در اسناد ساواک آمده است:

شب گذشته نماز جماعت بعضی از مساجد گذارده [گزارده] نشد و مأمورین اطلاع دادند که از ساعت 19 عده ای از وعاظ ضمن تعطیل مجالس عزاداری سیدالشهداء در منزل آقای حاج سید علی بهبهانی تشکیل جلسه داده و با شرکت عده ای اصناف و بازاریان در این جلسه تصمیم گرفته می شود که صبح روز 3/16 [1342] دکاکین و بازار تعطیل شود.

1 - . متن کتاب سند شماره: 1342/2/20 20/2102

ضمن مراقبت کاملی [که] از منزل آقای بهبهانی به عمل آمد در حدود ساعت 24 جلسه مذکور خاتمه و شرکت کنندگان منزل را ترک گفتند.⁽¹⁾

سرانجام روحانیون اهواز تصمیم گرفتند جلسه ای برای بزرگداشت شهدای 15 خرداد در مسجد جامع اهواز برگزار نمایند:

«صبح روز گذشته (1342/3/17) عده ای از روحانیون اهواز تصمیم داشتند در مسجد جامع اجتماع کرده و از آقای حاج سید علی بهبهانی نیز که تقریباً سمت بزرگتری و رهبری این طبقه را در منطقه خوزستان دارد خواسته بودند که به مسجد آمده و ضمن رفتن به منبر درباره جریانات روز و همدردی با جامعه روحانیون و بازداشت آقای خمینی و سایر آقایان بازداشتی صحبت کند و به وسائلی نیز به مردم و بازاریان اطلاع داده بودند که برای شنیدن اظهارات آقای بهبهانی در مسجد حاضر شوند.»⁽²⁾

در پی تصمیم برای تشکیل جلسه با حضور اقشار مختلف مردم اهواز، عوامل رژیم پهلوی از تشکیل آن مجلس ممانعت کردند.

ساواک طی گزارشی در این خصوص گفته است:

«روز 17 ماه جاری از طلاب و طبقات مختلف از طرف آخوندها و طلاب دعوت شده بود که در مسجد جامع اجتماع نمایند که در اثر اقدامات رؤسای شهربانی و ساواک و آقای استاندار از این اجتماع جلوگیری شده است و چند نفر از اشخاص بی طرف به آیت الله سید علی بهبهانی که قرار بوده به منبر برود ابلاغ شده که از رفتن به منبر خودداری نماید گر چه فرزند نامبرده حاضر به

تمکین نبوده بالاخره او را قانع نموده و مسجد را قفل نموده اند و مدعوین موقع مراجعه به مسجد چون درب مسجد قفل بوده متفرق شده و رفته اند. گفته می شود تحریکاتی به منظور بستن مغازه ها و بازار در پیش است.⁽³⁾

در اعتراض به ادامه بازداشت امام خمینی در سال 1342، آیت الله بهبهانی از جمله مراجعی بودند که به همراه شماری از علمای شهرستان ها به عنوان اعتراض به دستگیری امام خمینی به تهران هجرت، و علیرغم فشارهای دستگاه های امنیتی برای خروج ایشان از تهران چهار

1- . متن کتاب سند شماره: 1342/3/16 15/2/1115/42

2- . متن کتاب سند شماره: 1342/3/18 15/2/1120/42

3- . متن کتاب سند شماره: 1342/3/18 – 1520

ماه در تهران ماندند و خواستار آزادی حضرت امام شدند.

ساواک طی گزارشی در این خصوص گفته است:

«آیت الله میر سید علی بهبهانی که از روحانیون طراز اول خوزستان مقیم اهواز می باشد شب گذشته [به] تهران آمده.»⁽¹⁾

آیت الله بهبهانی در تاریخ 1342/5/14 اعلامیه بسیار شدیدی علیه دستگاه پهلوی صادر کردند و در آن مرجعیت امام خمینی رح را اعلام و از ایشان با عنوان «آیت الله العظمی و از اعظام مراجع» تعبیر نمودند.

در این اعلامیه که با لحن بسیار تند انقلابی نگارش شده، دستگاه رژیم شاه را دیکتاتوری توصیف، و حرکات و رفتار این رژیم را با واژه هایی نظیر جنایات و تجاوز، به باد نقد و انتقاد گرفته. و در فرازی از اعلامیه به صراحت دولت وقت را دولت غیر قانونی اعلام و می فرماید:

«آیا در این مملکت مرجع صلاحیت داری نیست که در این محیط خفقان آور به این تجاوزات و قانون شکنی های دستگاه دیکتاتوری خاتمه دهد و این نگرانی شدید را از ملت مسلمان ایران مرتفع سازد.

البته انتخاباتی که به وسیله این دولت غیرقانونی و در زیر سایه سرنیزه انجام پذیرد نتیجه آن معلوم است. علاوه آیات عظام بالاخص حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی که از مراجع تقلید و مورد احترام تمام مسلمانان جهان می باشند، معظم له را در محدودیت شدید قرار داده و اجازه ملاقات به اشخاص داده نمی شود.

بدون تردید این اعمال غیرانسانی و خلاف قانون، مورد تنفر و انزجار شدید ملت مسلمان و شریف ایران است. روحانیت همواره به وظایف شرعی خود عمل نموده و تا برآورده شدن تمام خواسته های قانونی ملت ایران در مقابل دستگاه فاسد استعماری و استبدادی از پای نخواهد نشست.⁽²⁾

چون وی مورد احترام خاص مراجع و روحانیون مهاجر به تهران بود، جلسات زیادی از طرف مراجع و علماء در منزل محل سکونت ایشان در تهران تشکیل می شد. آیت الله سید مرتضی پسندیده، برادر امام خمینی در جریان این واقعه می فرماید:

« بنده کاملاً به خاطر دارم، ساواک به منزل محل سکونت ایشان مامورینی

فرستاد

1- . متن کتاب سند مورخه: 1342/5/2

2- . اسناد انقلاب اسلامی، همان، ص 107.

و ایشان را به خروج از تهران ملزم نمود که با مداخله بعضی از علماء مامورین از منزل ایشان خارج شدند ولی بعد از چند روز، چون حضور حضرت آیت الله بهبهانی در تهران برای دستگاہ گران و خطرناک بود، دستگاہ می خواست ایشان را به ترک تهران وادار نماید، ولی باز هم اقدامات ایشان و سایر مراجع و روحانیون و تأیید عمومی مردم مانع از آن کار شد، بلکه منجر به آزادی حضرت امام گردید. به محض آزادی حضرت امام، آیت الله بهبهانی به ملاقات ایشان رفتند که بسیار مورد احترام ایشان نیز قرار گرفتند.»

پس از آزادی امام از زندان و انتقال به منزلی در قیطریه آیت الله بهبهانی در اولین فرصت حاصل شده به دیدار و ملاقات ایشان رفتند. در اعتراض به انتخابات فرمایشی و صوری مجلس رژیم دست نشانده پهلوی، به اتفاق 10 نفر از علماء خوزستان اعلامیه ای منتشر کرده و آن را، انتصابات هیئت حاکمه، انتخابات ننگین و غیرقانونی اعلام کردند:

در آن اعلامی آمده است: «بدیهی است از انتصابات هیئت حاکمه که به نام انتخابات به جریان گذارد اطلاع کامل دارند که قاطبه ملت ایران به جز معدودی از مامورین دولت و کارگرانی که حقوقشان در گرو گرفتن کارت بوده شرکت ننموده و عملاً به عمل دولت اعتراض کرده و در تمام ادوار مشروطیت چنین انتخابات ننگینی سابقه نداشته و اکثر مردم خوزستان با اینکه تحت فشار مامورین سازمان امنیت و شهربانی قرار گرفته معذک به واسطه تحریم آقایان مراجع تقلید در انتخابات شرکت نکرده و کسانی که به نام نماینده از طرف دولت معرفی شده اند نمایندگان واقعی مردم نبوده و مردم این استان مثل سایر مردم

کشور این مجلس را به رسمیت نمی شناسند و مصوبات آن نیز قانونیت ندارد.⁽¹⁾

پس از انتشار این اعلامیه ساواک دستور دستگیری ایشان را صادر نمود. که این اقدام به علت نامعلومی عملی نگردید.

در تابستان 1343، آیت الله بهبهانی به قم مشرف شد. امام خمینی ایشان و همراهانش را به منزل خود دعوت نمود و آنان 10 روز میهمان امام خمینی بودند.⁽²⁾

1- متن کتاب، سند ص 41.

2- امام خمینی پس از پایان جلسه که در خدمتشان به عنوان بدرقه برمی گشتیم در بین راه فرمودند: «مرد محقق است، حیف است که ایشان در اهواز بمانند!» گفتم آقا خوشبختانه حالا که در اهواز، سواد اعظم هستند، آنچه‌ایه تاسف است این است که ایشان بیش از سی سال در شهر رامهرمز به دور از همه امکانات به سر برده اند. امام خمینی پس از این سفر از آیت الله بهبهانی به "سیدالعلماء" تعبیری کردند. «شرح حال، افکار و آثار آیت الله بهبهانی، علیدوانی، ص 104»

گزارشگر ساواک در این راستا چنین گزارش می کند:

«به قرار اطلاع آقای سید علی بهبهانی که از روحانیون اهواز بوده و در آن شهرستان سکونت دارد و از نزدیکان خمینی نیز می باشد دو سال قبل که به قم آمده بود از طرف خمینی پذیرایی گرمی از وی به عمل آمد.»⁽¹⁾

آیت الله بهبهانی پس از دستگیری و تبعید امام در 13 آبان 1343، اعلامیه شدید اللحنی علیه رژیم پهلوی منتشر کردند که در آن اعلامیه هدف امام خمینی را هدف تمام روحانیت ایران و روحانیت شیعه و اسلام دانسته و دولت و رژیم را به انجام اعمال ننگین متهم کرده و اعلام نمود که مجلس، مرتکب اسائه ادب به روحانیت شده است. در قسمتی از این اعلامیه چنین آمده است:

«مردم غیور مسلمان هنوز جنایات پانزده خرداد و حبس عده ای از علما و دانشمندان را فراموش نکرده اند که خبر تأثرانگیز تبعید آیت الله خمینی را شنیدند، شما ملت شریف استحضار دارید که دولت ایران با یک مرجع تقلید که مصونیت قانونی دارد چه رفتاری نموده. آری در ایران هر کس حق بگوید باید مورد موأخذة و تعقیب دستگاه های انتظامی قرار گیرد.»

مگر آیت الله خمینی چه عملی انجام داد جز اینکه می خواسته است از حریم مقدس دین پشتیبانی نماید؟ دست استعمار را کوتاه کند، مانع نفوذ بیگانگان در کشور شود، ملت ایران را از خطری که به سوی آنها روی آورده آگاه سازد!

دنیا بداند که هدف ایشان هدف تمام روحانیت ایران بلکه روحانیت شیعه و اسلام است. خواسته ایشان خواسته تمام روحانیین است.

دولت باید به نصایح روحانیین توجه کند و در مقام اجرای دستورات دین
مبین اسلام برآید و به اعمال ننگین و برخلاف اصول انسانیت دست نزند. برای
فقر و بدبختی مردم چاره ای بیندیشد. برای بیکاران فکر کار نماید.

عجبا، وکلای بی موکل به روحانیت اسائه ادب نموده و با کمال بی شرمی در

مجلس

1- . متن کتاب سند شماره: 45 /5/10 21/1516

بیاناتی نموده اند که علاوه بر ملت ایران، موجب خشم و تنفر تمام ملل مسلمان گردیده است و جرائد مزدور نیز با وقاحت هرچه تمام تر به حریم مقدس دین و روحانیت تجاوز نموده، بدیهی است ملت ایران در موقع مقتضی جواب این یاوه سرایی ها را خواهد داد. دولت ایران بداند که با تبعید و حبس و حصر، جامعه روحانیت از بیان حقایق خودداری نخواهد نمود و از اعمال خلاف قانون جلوگیری خواهد کرد و با پشتیبانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به وظیفه خود عمل می کند.⁽¹⁾

پس از انتشار این اعلامیه ساواک مرکز درخواست نمود که:
«... افرادی [که] مبادرت به تهیه و توزیع اعلامیه های مضره نموده اند بایستی نسبت به تعقیب قانونی آنان اقدام شود.»⁽²⁾

آیت الله بهبهانی همچنان پس از تبعید امام خمینی نیز از مبارزات و اهداف ایشان علیه رژیم پهلوی پشتیبانی می کرد و اقداماتی را برای آزادی زندانیان در بند رژیم سفاک پهلوی انجام می داد.

در سال 1344 درخواست گذرنامه جهت مسافرت به عتبات عالیات را داشتند که رژیم از خوف دیدار ایشان با امام با آن مخالفت کرد.⁽³⁾ در تابستان سال 1345 به تجویز پزشکان آیت الله بهبهانی به اصفهان مسافرت می کند که مورد استقبال با شکوه مردم و روحانیت قرار می گیرد.⁽⁴⁾ پس از اطلاع ساواک مرکز، از ساواک اصفهان درخواست کرد که:

«با توجه به اینکه نامبرده از طرفداران روحانیون مخالف می باشد. خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به کنترل اعمال و رفتار وی در مدت توقف در آن استان توسط منابع مربوطه و با استفاده از امکانات موجود اقدام نمایند.»⁽⁵⁾

آیت الله بهبهانی در سال 1346 با صدور فتوایی جنگ شش روزه صهیونیست ها بر ضد مردم مسلمان و رژیم اشغالگر قدس را محکوم و معامله با یهودیان را تحریم نمود:

«باید از هرگونه ارتباط با اسرائیل و عمال آن [یهودیان] خودداری کنند. بر قاطبه مسلمین لازم است، الفت و دوستی و معامله و معاشرت با کفار خاصه با

1- اسناد انقلاب اسلامی، همان، ص 126.

2- . متن کتاب سند شماره: 1344/2/15 321 /9926

3- . متن کتابسند شماره: 1344/12/22 م/5417

4- . متن کتاب سند شماره: 1345/5/8 390

5- . متن کتاب سند شماره: 1345/5/9 312/23778

اسرائیلی ها که جوانان و افراد مسلمین را به خاک و خون کشیده و با اشغال متجاوزانه شهرهای مسلمین اعراض و نوامیس آنان را هتک می کنند به کلی ترک و از این راه و هم از طریق کمک و اعانت به آسیب دیدگان مسلمین به هر نحو مقدور است انزجار خود را علیه اسرائیل و متجاوزین به حقوق مسلمین اعلام دارند.⁽¹⁾

پس از انتشار این اعلامیه کسبه متدیّن به پیروی از ایشان از معامله با یهودیان خودداری کردند. دو روز پس از انتشار این اعلامیه ساواک در گزارشی اعلام کرد:

«اکثر کسبه و بازرگانان شهرستان اصفهان از خرید و فروش به یهودیان خودداری می نمایند و اخیراً معامله عمده ای با کلیمی ها صورت نگرفته است.»⁽²⁾

پس از انتشار اعلامیه، ایشان به ساواک احضار و مورد بازجویی ماموران ساواک اصفهان قرار گرفت. مدت شش ساعت، یعنی بعد از نماز ظهر و عصر تا غروب آفتاب آیت الله بهبهانی را در ساواک نگاه داشتند، کاری که تا آن موقع نسبت به چنان مقام بزرگ روحانی در اصفهان سابقه نداشت.

سرانجام بر اثر فشار علمای اعلام و مردم آزاده اصفهان و ترس از شورش مردم، آیت الله بهبهانی آزاد گردیدند.

رژیم پهلوی پس از ناکامی در زندانی ساختن آیت الله بهبهانی، فرزند ارشدش حجت الاسلام والمسلمین سید عبدالله مجتهد زاده را که نقش مهمی در انتشار اعلامیه آیت الله بهبهانی داشت، به اتهام اقدام علیه امنیت کشور در خوزستان بازداشت و پس از چند هفته زندانی، سرانجام با قرار وثیقه ای سنگین آزاد کرد.

در سال بعد که آیت الله بهبهانی قصد اقامت در اصفهان را داشتند، رئیس ساواک اصفهان با این سفر از در مخالفت درآمد.⁽³⁾ لیکن ساواک مرکز از بیم خشم مردم با سفر ایشان موافقت کرد و دستور داد:

«اعمال و رفتار وی را در مدت اقامت دقیقاً کنترل نمایند و در صورت مشاهده فعالیت مضره ای از وی مراتب را اعلام تا تصمیمات لازم گرفته شود.»⁽⁴⁾

1- اسناد انقلاب اسلامی، همان، ص 157.

2- متن کتابسند شماره: 1346/4/17 316/24670

3- متن کتاب سند شماره: 1347/3/19 415

4- متن کتاب سند شماره: 1347/3/20 424

«به منبع آموزش داده شد که ساعات تدریس بهبهانی شرکت نموده و ضمن در نظر گرفتن اعمال و رفتار و گفتار نامبرده نتیجه را گزارش نماید.»⁽¹⁾

ماموران ساواک که از مکاتبات فی مابین امام و آیت الله بهبهانی اطلاع داشتند، از ترس تماس حضوری با نزدیکان حضرت امام با صدور گذرنامه برای ایشان مخالف کردند، لیکن با توجه به نفوذ آیت الله بهبهانی در بین مردم، ساواک خوزستان با این اقدام ساواک مرکز مخالفت و نصیری ریاست وقت ساواک با این نظریه موافقت کرد:

«آیت الله حاج سیدعلی بهبهانی و سیدعبدالله مجتهدزاده که از طرفداران خمینی می باشند تقاضای صدور گذرنامه جهت زیارت مکه دارند. با توجه به اینکه نامبردگان نفوذ کافی بین طبقات مختلف مردم اهواز دارند لذا اجرای دستور در مورد نامبردگان به مصلحت نمی باشد.»⁽²⁾

پس از آن که رژیم پهلوی گوشت منجمد با ذبح غیراسلامی از خارج وارد کرد، آیت الله بهبهانی حکم به تحریم آن داد که در نتیجه، امکان توزیع این گوشت برای دولت در خوزستان به وجود نیامد.

هنگامی که رژیم پهلوی چاپ و توزیع رساله ی امام خمینی را منع کرده بود، آیت الله بهبهانی اجازه داد رساله ی امام خمینی به نام «جامع المسائل آیت الله بهبهانی» چاپ شود. وی به مقلدان خود اجازه داد که وجوهات شرعی ی خود را برای امام خمینی بفرستند. او می فرمود: «آقای خمینی بیش از من به این وجوهات احتیاج دارند.»

1- . متن کتاب سند شماره: 1348/4/2 3210

2- . متن کتابسند شماره: 1346/11/19 18359

فهرست مطالب

6	پیشگفتار.....
8	ولادت.....
9	پدر و خانواده:.....
11	تحصیلات در بهبهان:.....
12	تحصیلات در نجف اشرف:.....
14	سفر مجدد به عتبات:.....
15	ورود مجدد به بهبهان:.....
17	سفر سوم به نجف اشرف:.....
18	اصرار مردم رامهرمز:.....
19	توقف در رامهرمز:.....
20	چهارمین سفر آیت الله بهبهانی به عتبات عالیات کربلا:.....
21	مهاجرت به نجف:.....
23	مراجعت به ایران:.....
24	مسافرت به طهران:.....
25	سکونت در اهواز:.....
26	مسافرت به خرم آباد و بروجرد:.....
27	مسافرت به اصفهان:.....
29	حوزه علمیه بهبهان:.....
30	حوزه علمیه رامهرمز:.....
31	حوزه علمیه اهواز:.....

35 حوزه علمیه اصفهان:
43 آیت الله بهبهانی و حوزه علمیه اصفهان:
44 شخصیت علمی:
46 نماز جماعت:
49 توجه آیت الله بهبهانی به تبلیغات دینی:
51 جلسه استفتاء:
52 تبلیغات:
53 سرپرستی طلاب دینی:
54 مسافرت ها:
55 استقبال علماء و مردم اصفهان از حضرت آیت الله بهبهانی:
57 بدرقه کردن مردم از حضرت آیت الله:
58 اشعار در مدیحه حضرت آیت الله بهبهانی:
61 اخلاق و صفات:
62 فضایل نفسانی:
68 آثار جاویدان مرحوم آیت الله بهبهانی:
76 چاپ کتب دیگران:
78 شاگردان:
81 شاگردان نجف اشرف:
82 شاگردان کربلا:
82 شاگردان اصفهان:
89 برخی دیگر از شاگردان:
101 آثار خیریه اصفهان:

103.....	اولاد و اعقاب:
109.....	آیت الله بهبهانی در بستر بیماری:
110.....	آیت الله بهبهانی در اهواز:
112.....	رؤیای صادقانه:
113.....	وفات آیت الله بهبهانی:
114.....	مراسم تشییع:
115.....	خبر فوت آیت الله بهبهانی در اصفهان:
118.....	حرکت عده ای از مردم اصفهان به اهواز:
120.....	آیت الله بهبهانی مورد توجه ائمه طاهرین:
121.....	رؤیای صادقانه دیگر:
123.....	خبر رحلت مرحوم آیت الله بهبهانی در شهرهای دیگر:
124.....	در رثای آیت الله بهبهانی:
142.....	خاتمه
143.....	ملحقات
160.....	فهرست مطالب